

قرآن
از دیدگاه
جهان
پیدائش

مؤلف: صلاح الدین سادات

Ketabton.com

شناسنامه:

نام کتاب: پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن

نام مؤلف: صلاح الدین سادات

برگ آرایبی و طرح جلد: غفران الله آرین

ناشر: ()

سال نشر: ۱۴۰۴ هـ ش





مقدمه

باعث تحریر من در باره کائنات این است که اکثر علماء اسلام به این عقده اند که گویا تمام عالم را خداوند ﷻ در شش روز یا شش دوره خلق کرده است. این نظریه هم مخالف قرآن است و هم مخالف علم، چراکه تحقیقات علمی ثابت کرده اند که از پیدائیش عالم تقریباً چهارده میلیارد سال سپری شده است. اما از پیدائیش زمین فقط چهار و نیم میلیارد سال می‌شود. خداوند ﷻ هم در سوره نازعات، آیت (۳۰) صراحتاً بیان می‌کند که شکل‌گیری زمین بعداً صورت گرفته، سیر تکاملی زمین هم چهار روز را دربر گرفته است و بعد در دو روز دیگر هفت طبقه محافظتی دور زمین را آفرید که نام آنها آسمان نهاد، چراکه بدون سقف محافظتی آن، زندگی کردن در زمین غیرممکن بود. تمام دلایل که من در این مورد ذکر می‌کنم همه از قرآن کریم آورده شده است و تمام آیات که در این مورد خداوند ﷻ بیان نموده است آیت به آیت، سوره به سوره مفصلاً ذکر نمودم، شما هم می‌توانید این آیات را در قرآن کریم به دقت مطالعه نمائید.

با عرض حرمت

صلاح الدین سادات

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم اما بعد:

موضوع بحث ما در باره پیدائش جهان از نظر دینی و علمی میباشد. نظر به گزارشات دانشمندان کیهان شناسی، جهان تقریباً چهارده میلیارد سال قبل از یگ نقط ای بی نهایت کوچک حتی از اتم هم کرده کوچکتر فوق العاده داغ فشرده بود شروع شده، وازنگاه قرآن هم به امر پروردگار از کلمه کن پدید آمده چنانچه در سوره یاسین، آیت (۸۲) چنین می فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» به تحقیق امر ما وقتیکه امر کنیم چیزی را «شو» آنا می شود. هم چنان در سوره قمر، آیت (۵۰) چنین می فرماید: «وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمَحٍ بِالْبَصَرِ». ترجمه: نیست امر ما مگر یک چشم برهم زدن. هردو آیت دلالت بر این میکند که شروع جهان آنی بوده در کسر ثانیه، نظریه گزارش علماء کیهان شناسی از این نقطه چهار نیروی غیرمرئی در کسرتانیه پدید آمدند، آنها عبارت اند از نیروی گرانش، و نیروی هسته ای قوی، و نیروی الکترو ضعیف، و الکترو مغناطس، این نیروهای نامرئی ستون فقرات تمام کائنات است، سبب پیدایش تمام اجرام عالم میباشد، این نیروهای نامرئی چنان دقیق

۲ / صلاح الدین سادات

وظریف طراحی شده اند که هر کدام ازین نیرو ها فقط یگ ذره قوی تر یا ضعیف تر بودند یا جهان بلا فاصله پس از تولد دوباره در خود فرو می ریخت یا اتم ها هرگز شکل نمی گرفت و جهان فقط توده‌ی گردو غبار پراکنده باقی میماند، نه تنها این نیروی نا مرئی را دا نشمندان کیهان شناسی ذکر می کنند بلکه قرآن کریم هم عین همین را در سوره رعد آیت ۲ بیان نموده چنین میفرماید **اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا**: یعنی الله ذاتست که بر افراشت آسمان هارا بدون ستون که ببینید آنرا همچنین در سوره لقمان آیت ۱۰ چنین میفرماید **خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا**؛ یعنی آفرید آسمان هارا بدون ستون که ببینید آنرا یعنی تمام بلند ی ها توسط یگ نیروی ساخته شد یا برافراشته شد که ان نیرو را به چشم دیده نمیشود ستون در لغت عربی چیزی را میگویند که بار سنگینی را تحمل کند، حالا همین نیروها هستند که تمام کهکشانشا و ستاره هارا هم ساخته وهم در فضا نگاه داشته است اگر خداوند متعال این نیروی غیر مرئی را از بدنه اجرام عالم بر کند دیگر هیچ چیزی وجود ندارد همه نابود می شود چنانچه در آخر عمر جهان چنین کار صورت میگیرد، بناءً تمام اجرام چشم دید مثل میلیاردها کهکشان و تیرلیونها تیر

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۳

لیون ستاره و سیاره فقط پنج فیصد اجرام جهان را تشکیل میدهد و نودوپنج فیصد اجرام دیگر غیر مرئی اند، این ساخت و ساز توسط آن نیروی غیر مرئی ازان زمان تا الحال که تقریباً چهارده میلیارد سال میشود با انبساط سر سام آوری جهان وسعت پیدا میکند و درین مدت صدها میلیارد کهکشان و ترلیونها ترلیون ستاره و سیاره ساخته شده و این وسعت تا هنوز هم ادامه دارد ، چنانچه خداوند متعال درسوره زاریات آیه چهل و هفت چنین میفرماید .. وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾ یعنی ما آسمان را با قدرت بنا کردیم پیوسته آنرا وسعت می بخشیم؟ یعنی این وسعت ازابتداء پیداءش جهان شروع شده و تا چه زمانیکه پروردگار بخواهد دوام میکند، حالا برمیگردیم به کهکشان خودمان که کهکشان راه شیری نام دارد این کهکشان نظر به گزارش های دانشمندان کیهان شناسی شکل گیری ابتداءی آن پنجد صد میلیون سال بعد از انفجار بزرگ بوده اما سیر تکاملی آن دو یا سه میلیارد سال طول کشیده به حالت امروزی درآمده، حالا این کهکشان نظربه تخمین های که دانشمندان کیهان شناسی میکنند از صد تا چهارصد میلیارد ستاره دارد، یکی از همین میلیارد ستاره ها خورشید میباشد که چند سیاره دارد که سومین

۴ / صلاح الدین سادات

سیاره آن همین زمین است که با لای ان زندگی میکنیم، بحث اصلی ما درباره پیدایش حیات در زمین است خداوند متعال درسوره فصلت بطور واضح و آشکارا بیان می‌کند که زمین و هفت طبقه آسمان بالای زمین در شش روز هر دوروز یگ مرحله در سه مرحله تمام شده است؛ یعنی زمین در همین شش روز به پایه اکمال رسیده، حیات به وجود آمده است. این را در بحث پیدائیش زمین و آسمان مفصلاً بیان خواهیم نمود.

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/ ۵

پیدائیش زمین و آسمان در شش روز

روزهای که در قرآن کریم ذکر می‌شود درباره پیدائیش کائنات روز بیست و چهار ساعته نیست بلکه به دوره یابه دوران یا به مرحله تعبیر میشود، هرمرحله ممکن میلیونها سال باشد هم از نظر دانشمندان اسلامی وهم از نظر کیهان شنا سان، بناء پیداءش زمین وآسمان درششروز هردوروز یگ مرحله درسه مرحله به اتمام رسیده است ، روزهای قرانکریم هم متفاوت است مثلاً احکام که از عرش به سدرت المنتهی فرستاده می‌شود، ملائیکه‌ها ی مسوول از روی آن تمامی احکام آنرا در زمین طبق مقررات آن عمل می‌کنند. آن روز را یک هزارسال زندگی در روی زمین ذکر نموده است، چنانچه در سوره سجده، آیت (۵) چنین می‌فرماید: «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ». ترجمه: به تدبیر فرو می فرستد امر را از آسمان بسوی زمین باز بالا می‌رود آن امر به جانب او در روزیکه هست اندازه آن هزار سال از آنچه که می شمارید. هم‌چنان روز قیامت یک روز است اما معادل پنجاه هزار سال زندگی در روی زمین است، چنانچه در سوره المعارج، آیت (۴) چنین می‌فرماید: «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ

۱۶ / صلاح الدین سادات

خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ». ترجمه: بالا می‌روند فرشتگان و روح بسوی او در روزیکه هست مقدار آن پنجاه هزار سال، بناء تمام دانشمندان کیهان شناسی و علماء دینی روزرا به دوره تعبیر میکنند،

وقتیکه بلندی‌ها عبارت از ستاره‌ها و سیاره‌های کهکشان راه شیری به امر پروردگار پدید آمدند، خداوند متعال تمامی آن‌ها را در جای که مناسب همان جا است قرارداد، چنانچه در سوره نازعات، آیت (۲۸) چنین می‌فرماید: «رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا». ترجمه: بر افراشت بلندی آنرا پس برابر کرد آنرا، یعنی تمامی بلندی‌ها را که عبارت از ملیون‌ها ستاره و سیاره می‌باشد در جای که مناسب همان جا بود، قرار داد. هر آن چیزیکه دریا لا دیده میشود از ستاره‌ها و سیاره‌ها متعلق به کهکشان راه شیری می‌باشد ستاره‌های دیگر کهکشانها را دیده نمیشود چراکه آنها بسیا دور می‌باشند هم‌چنان در سوره یاسین، می‌فرماید: «ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ». ترجمه: این اندازه‌گیری غالب و دانا است هر چیزی را در جای مناسب به دقت سنجیده و به حکمت تمام جابجا نموده است و او بر همه چیز توانا است، یکی از این ستاره‌ها خورشید است که چندین سیاره دارد و سومین سیاره آن همین زمین است.

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۷

زمین هم توسط همان نیرو های چهار گانه که از کلمه؛ کن؛ پدید آمده بود ساخته شده، از گاز و غبار بقایای ستاره های که عمر شان به آخر رسیده منفجر شده بودند از خاکستر آنها بوجود آمده، در ابتدای پیدائیش اش یک توتۀ آتش بود، نه زنده جان در آن بود و نه هم در آن زندگی می شد، به مجردیکه پدید می آید شروع به چرخش می کند که از این چرخش روز و شب به وجود می آید. این شروع پیدائیش زمین است. روز آنرا روشن و شب آنرا تاریک کرد، چنانچه خداوند ﷻ در سوره نازعات، آیت (۲۹) چنین می فرماید: «وَأَغْطَسَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا». ترجمه: تاریک کرد شب آنرا و آشکارا کرد روشنی روز آنرا، اینجا روز و شب را عموم ذکر کرد ضمیر روز و شب را به آسمان نسبت داد نگفت روز و شب زمین ازین معلوم میشود که تمام سیارات منظومه شمسی حتی ماه ها روز و شب دارند البته به تفاوت، بعضی های شان شب و روز درازتر و بعضی های شان شب و روز کوتاه تر روز و شب تمام سیارات از گردش به دور خورشید پدید می آید، همچنین اگر آسمان تاریک و روشن نمیشد زمین مرده سنگی باقی میماند این عمومیت در زکر روز و شب نشان دهنده حاکمیت قوانین فزیک آسمان بر تکتا مل سیاره زمین است، مدت مدید زمین به همین حالت بود.

۸ / صلاح الدین سادات

خواست خداوند ﷻ این بود که در همین سیاره مخلوقِ هوشمند که مأمور به عبادت باشد، زندگی کند او عبارت از انسان است، حالا چه تدابیر گرفته می‌شد که زندگی کردن در آن ممکن شود. بناءً پروردگار عالم، اولتر از همه زمین را گسترش داد، به این معنا که دور زمین را که آنوقت آتش بود، هفت طبقه پوش داد تا که از مضررات هسته زمین جلوگیری کند و هم برای معیشت انسان‌ها ضروری می‌باشد، چنانچه در سوره نازعات، آیت (۳۰) چنین می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا». ترجمه: زمین را بعد از آن گسترديم .. خداوند متعال می‌فرماید که زمین بعد از شکل گرفت از نگاه علمی هم همین طور است، چراکه عمر کهکشان ما سیزده میلیارد سال است اما عمر زمین چهارونیم میلیارد سال می‌باشد، مدت بعد از پدید آمدن روز و شب زمین را گسترش دادیم گسترش بمعنای وسعت دادن و کلان نمودن ، سیر تکاملی زمین وقفه‌ای است یعنی در دو روز اول چه پدید آمد البته مراد از روز مرحله یا دوران است و در دو روز دوم چه ساخته شد و در دو روز سوم چه به وجود آمد، آنرا به بحث می‌گیریم.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۹

گسترش زمین در دو روز اول

چنانچه قبلاً در سوره نازعات خواندید که گسترش زمین بعداً شکل گرفت، اولتر از همه روز و شب آفریده شده بعد از آن گسترش زمین. این شروع گسترش زمین است، گسترش (وسعت دادن) را می‌گویند. وسعت یعنی کلان کردن، خداوند متعال داخل زمین را هفت طبقه ساخته، مثل پوست پیاز. این هفت طبقه سیر تکاملی خود را در دو روز یا در یک مرحله تکمیل نموده است، هرمرحله میلیون‌ها سال زندگی در روی زمین است، چنانچه خداوند ﷻ در سوره فصلت، آیت (۹) چنین می‌فرماید: «قُلْ أَنتُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ». ترجمه: بگو آیا کافر می‌شوید به آن ذاتیکه آفرید زمین را در دور روز، در این دو روز همین هفت طبقه داخل زمین ساخته شد، این گسترش را دانشمندان علوم نجومی بنام بمباردمان فضایی یاد می‌کنند و می‌گویند که همه چیزیکه در زمین است مثل باران امروزی ازفضا به زمین باریده است. این گزارشات علمی را قرآن کریم هم تأیید می‌کند، چنانچه در سوره الحديد، آیت (۲۵) می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ». ترجمه: فرود آوردیم ما فلزات را و در آن جنگی سختی است بین انسان‌ها

۱۰ / صلاح الدین سادات

و منافع زیاد است برای انسان‌ها. فلزات عموم است منظور تنها آهن نیست بلکه آهن باب هر آن چیزیکه ذوب و منجمد شود، شامل آهن است از قبیل طلا، نقره مس، سرب، و پلاتین همه و همه شامل است. چرا که منظور تنها ذکر آهن نیست بلکه منظور آوردن آنهاست در زمین، بناء تنها آهن آورده نشده بلکه تمام فلزات که در زمین وجود دارد از دیگر جای به زمین آورده شده است. اما در بعضی فلزات منافع زیاد است برای انسان‌ها مثل آهن یا فولاد، از روزیکه انسان‌ها به آن دسترسی پیدا کرده اند، تمام ضروریات خود را از آله و اسباب جنگی مثل شمشیر و نیزه و دیگر اسباب خانگی و هم‌چنان برای امروز به تمام ماشین آلات بکار می‌برند. خداوند ﷻ فرمود که تمام این‌ها را از دیگر جا به زمین فرود آوردیم چراکه به صیغۀ «أَنْزَلْنَاهَا» ذکر نمود، تمام این فلزات مخلوط زمین می‌باشد. پس معلوم شد که این هفت طبقه داخل زمین از فضا به زمین آورده شده است، زمان آوردن آن هم دو روز را در برگرفته است یعنی در یک مرحله و یا هم تنها آهن را بگیریم چرا خداوند متعال تنها آهن را ذکر نمود دیگر فلزات را ذکر نکرد چون آهن اکثریت اجزای زمین را تشکیل میدهد جز تابعی کل است .. هیچ کدام از فلزات ساخت زمین نیست

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۱

بلکه آنها دردل ستاره گان دیگر ساخته میشوند وقت این ستاره ها که عمرشان به آخر میرسد به یگ انفجار بزرگ خاتمه پیدا میکنند این انفجار تمام آهن موجود در هسته را در فضا می پکرات پخش میکند وقت سیاره های درحال شکل گیری باشد باخود جذب نموده سپس آنیکه وزن شان بیشتر است طرف هسته هدایت میشود زمین هم همین قسم است هسته زمین از آهن مذاب است واما طلا و دیگر فلزات قیمتی در هسته های ستاره گان غول پیکر که هزاران مراتب از خورشید بزرگ باشد ساخته میشود وقتیکه عمر این ستاره گان به آخر رسید به یگ انفجار بزرگ خاتمه پیدا میکنند این انفجار تمام آن فلزات که در هسته وجود داشت در فضا به قسم ذرات پخش میکند سیارات که درحال شکل گیری هستند با خود جذب میکنند مثلیکه آهن را جذب کرده بودند بناء تمام این فلزات از دیگر جای به زمین آورده شده اند قسمیکه خداوند متعال در قرآن ذکر نمود، از قرار که دانشمندان زمین شناسی ذکر میکنند طلای موجود در هسته زمین اگر بیرون کرده شود در تمام خشکی زمین یگ لایه نیم متری ساخته میشود مگر بیرون کردن آن غیر ممکن است چون حرارت آن به شش هزار درجه میرسد هر چیزی قبل از

۱۲ / صلاح الدین سادات

رسیدن به آنجا ذوب میشود .. هم‌چنان در سورهٔ فصلت، آیت (۱۱) می‌فرماید: «فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا». ترجمه: پس گفت پروردگار برای آسمان و زمین، میایید یا بیاوریم تان به زور؟ همهٔ این آیات دلالت بر این می‌کند که زمین و هفت لایه‌ی بالای که بنام آسمان ذکر شده از دیگر جا آورده شده‌اند. اطلاق زمین به همین هفت طبقهٔ داخل زمین استعمال شده است، چیزی را که قرآن کریم بیان نموده است با گزارشات علمی همسان می‌باشد، گویا گزارشات علمی تفسیر از قرآن باشد. گرچند تمام گزارشات علمی توسطِ مردمان غیرمسلمان صورت می‌گیرد.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۳

تکمیل شدن زمین در دو روز دوم

این شروع مرحله دوم است درین مرحله ساختن کوه ها از بالای زمین است خداوند متعال در سوره فصلت، آیت (۱۰) چنین می فرماید: «وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ». ترجمه: وگردانید در زمین کوهها را از بالای زمین و برکت نهاد در آن و اندازه کرد در کوهها روزیهای اهل آنرا در چهار روز کامل، برای سوال کنندگان، یعنی کسی سوال کند که زمین در چند روز تکمیل شده، جواب بگو که در چهار روزپوره. در این چهارروز دوروز اول هم شامل است اول اینکه کوه ها هم جزوی اززمین است دوم اینکه این اشتباه برداشته شود که این چهارروز جدا از دوروز اول نیست به همین خاطر به پیامبر اکرم ص میگوید که هرکه از تو سوال کند زمین در چند روز ساخته شده در جواب بگو که در چهارروز پوره یعنی در دو مرحله دوروز اول یگ مرحله دوروز دوم هم یگ مرحله.. درین دو روز دوم کوهها بالای زمین انداخته شد، اولین مفاد کوهها این است که وظیفه میخ را اجراء می کنند، چنانچه (میخ) چیزی سست و لرزان را قائم نگه می دارد. این چنین کوه ها هم زمین را از میلان

۱۴ / صلاح الدین سادات

نمو دن به جانب دیگر نگه میدارد. چنانچه خداوند متعال در سوره نباء، آیت (۷) چنین می‌فرماید: «وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا». ترجمه: آیا نگردانیدم کوه‌ها را میخ زمین کوه‌ها چندین برابر خود ریشه داخل زمین دارد این ریشه‌ها در لایه‌های زیرین وصل هستند تا که پوسته‌های بالای را از لرزه داعمی ولغزش نگه دارند؟ علاوه بر قائیم نگه داشتن زمین تمام چیزهای حیاتی را خداوند ﷻ در کوه‌ها خلق کرده است، از قبیل فلزات قیمتی و تمام معدنیات که برای انسان‌ها ضروری بود همه را در کوه‌ها خلق کرده و از همه مهم‌تر برای زندگی انسان‌ها حتمی و ضروری میباشد ذخایر آب است آنها در کوه‌ها ذخیره می‌شود، چون برف‌ها در زمستان در کوه‌ها ذخیره می‌شود و در تابستان برای کشت و زراعت استفاده می‌شود. بناءً خداوند ﷻ کوه‌ها را محل برکت و محل رزق و روزی باشندگان اهل زمین تعیین نموده است.. هم‌چنان خداوند ﷻ در سوره ق، آیت (۷) چنین می‌فرماید: « وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ». ترجمه: و زمین را گسترده‌ایم و افکندیم در آن کوه‌ها را و رویانیدیم در آن از هر نوع با رونق جفت چه انسان باشد چه حیوان چه درخت باشد و چه

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۵

گیاه همه را جفت افردیم یعنی نرو ماده ، خداوند متعال اول گسترش زمین را یاد کرد بعد افگندن کوهها را. قبلاً گفتیم که در دو روز اول گسترش زمین شروع شده و تمام هفت طبقه داخل زمین در مرحله‌ی اول تمام شده بود، بعد از تمام شدن هفت طبقه داخل زمین بالای آن کوهها افکنده شد، کوه ها به چند طریق پدید آمدند کوه ها یکه دورودراز هستند آنها بنابه اثر بر خورد قا ره ها پدید آمدند آنرا خداوند متعال بنام کوه های رواسی یاد کرده اشاره به کوه های بلندو پا برجایی که سنگینی وریشه های عمیق شان باعث آرامش زمین از لرزه های داءمی میشود .. بعضی های شان به اثر تصادم لایه های درون زمینی به وجود آمده اند اما اکثریت کوه ها به اثر آتش فشانی که سالیان سال دوام داشته پدید آمده اند... خداوند متعال واضح و آشکارا بیان نمود که در این چهار روز فقط زمین ساخته شد، نه کائنات، هیچ کس گفته نمی‌تواند که در این چهار روز یا دو مرحله دیگر کائنات هم شامل است، چراکه خداوند ﷻ به پیامبرش فرمود، هرکه از تو سوال کند زمین در چند روز ساخته شده است، جواب بگو که در چهار روز پوره. حالا تمام چیزهای که برای انسانها ضروری بود، چه از نگاه داد و ستد و چه از

۱۶ / صلاح الدین سادات

نگاه رزق و روزی همه در همین چهار روز تکمیل شد، مگر بازهم در زمین، برای یک دقیقه زندگی کرده نمی‌شود چرا که نظر به تحقیقات علمی زمین بدون لایه های بالایی بعد از طلوع آفتاب به حدی گرم می‌شود که هر آن چیزی که در زمین بود آتش می‌گرفت و اما بعد از غروب آفتاب به حدی سرد می‌شود که به منفی ۹۰ درجه می‌رسید، در هر دو صورت زندگی کردن ناممکن بود، علاوه بر آن زمین زیر بمباردمان فضایی قرار داشت، همه روزه صدها شهاب سنگ به زمین برخورد می‌کرد. حالا چه تدابیر گرفته شود که هم هوا معتدل شود و هم از برخورد شهاب سنگ ها جلوگیری شود. بنائاً پروردگار عالم توجه خود را به جوی زمین نمود تا که به دور زمین محافظ قرار دهد.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۷

ساختن هفت طبقه آسمان ها در دو روزِ آخر

در سورهٔ فصلت، آیت (۹) خواندید که زمین در دو روز اول یا در مرحله‌ی اول گسترش داده شد، هم‌چنان در آیت (۱۰) همین سوره خواندید که در دو روز دوم یا در مرحله‌ی دوم بالای زمین کوه‌ها افکنده شد و حالا در دو روز سوم که مرحله‌ی آخرین است خداوند ﷻ در آیت (۱۱) همان سوره چنین می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ». ترجمه: سپس به آفرینش آسمانها پرداخت در حالیکه او دود بود، یعنی بعد از ساختن زمین در چهار روز، توجه خود را به طرف آسمان کرد که آسمان دود بود چون در مرحله دوم که ساختن کوه‌ها توسط آتش فشان‌ها بود این دود آتش فشان‌ها نی‌سالیان سال دوام داشت تمام جوی زمین مملو از دودهای غلیظ سمی بود که توسط همین آتش فشان‌ها به وجود آمده بود باید آنها تصفیه شده به گازهای مختلف تبدیل شود تا که هوا صاف شود سپس ازین گازها سپر محافظتی ساخته شود تا که زمین از تمام بلاهای آسمانی محافظت شود، باید آنها بطور دقیق و منظم جابجا شوند چنانچه در آخر همان آیت (۱۱) می‌فرماید: «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي

۱۸ / صلاح الدین سادات

كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا». ترجمه: پس ساخت آن دودها را هفت طبقه آسمان در دو روز و فرستاد در هر آسمان تدبیر مناسب، دود همان گاز، چراکه اول به صیغۀ مفرد ذکر کرد و اما در تقسیمات به صیغۀ جمع ذکر نموده گفت که «فَقَضَهُنَّ» این گازها را هرکدام در جای اصلی اش جابجا نمود در دو روز، یعنی در آسمان اول چه نوع گازات وجود داشته باشد و در آسمان دوم چه نوع گازات، تا آسمان هفتم. این بود کلام پروردگار که زمین و آسمان را ساخته، در کجای این آیات، تمام عالم ذکره شده است، وضاحتاً توضیح داده شد که در مرحله اول زمین وسعت داده شد، در مرحله دوم هم کوهها بالای زمین افکنده شد، و در مرحله سوم هم هفت طبقه آسمان از گازات به خاطر محافظت زمین ساخته شد نه کاینات، به چند دلیل، دلیل اول اگر ما از سموات کل جهان را بگیریم به آیت بست وهشت سوره نازعات درتنا قضی آشکار روبه میشویم چون آن جا اول پیدایش بلندی ها ذکر شده سپس پیدایش زمین، اما اینجا سوره فصلت اول زمین ذکر شده سپس آسمان ها برای همه معلوم است که زمین بعدا ساخته شده نه کاینات دیگر.. اگر از آسمان ها لایه های هفت گانه‌ی بالای زمین را

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۹

بگیریم چنانچه که خداوند متعال فرمود از گاز ها ساخته شد درین صورت به هیچ تنا قضی روبرو نمیشویم وهم موافق با گزارشات علمی میشویم . همچنین درسوره انبیا آیت سی میفرماید **أُولَئِكَ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۰﴾** ترجمه آیانی بینند آنانیکه کافر شدند به تحقیق که آسمانهاوزمین بودند مخلوط ما آنها را ازهمدیگر جدا نمودیم وهرچیزی زنده ای را ازآب قرار دادیم آیا ایمان نمی آورند ؟ چون همین هفت طبقه آسمان که ازدود ساخته شد این دود از قعر زمین توسط آتش فشان ها به بیرون آورده شده بود قبل از آن همه یگ جا مخلوط بودند، اگر از هفت آسمان جهان را بگیریم جهان که هفتا نیست، یکی دیگر اینکه اینحا بحث خلقت جهان نیست بلکه بحث خلقت حیات در زمین است چراکه درآیت بلا فا صله ازآب ذکر میشود آب مبدعی حیات است ،گرچه این آیت را بعضی محققین ربط میدهند به شروع جهان به انفجار بزرگ مگر هیچ ربطی به آن ندارد چراکه آن وقت نه زمینی بود ونه هم آسمانی ونه هم آبی، بناءاینجا منظور زمین وهفت طبقه‌ی جوی آن است ،کسانیکه معتقد اند خداوند ﷻ کُل

۲۰ / صلاح الدین سادات

عالم را در شش روز خلق کرده است، آن‌ها نه از قدرت پروردگار باخبر اند و نه هم از عظمت کائنات.

تحقیقات که دانشمندان فضایی انجام داده اند آنها تخمین می زنند که بیشتر از دو صد میلیارد کهکشان وجود دارد ، هر کهکشان یک عالم جداگانه میباشد. ما هم در یکی از همین میلیارد کهکشان زندگی میکنیم که کهکشان راه شیری نام دارد، و سپس همه این کهکشانیها را در خلقت شش روزی دَخل دادن، هم مخالف قرآن است و هم مخالف علم، چراکه خلقت کائنات تمام شده نیست. از لحظه که پروردگار امر گسترش عالم را داده تا این لحظه در گسترش است، چنانچه در سوره زاریات، آیت چهل وهفت خواندید که خداوند متعال فرمود آسمان را ما با قدرت بنا کردیم پیوسته آنرا وسعت میدهیم. .. آسمان این جا بمعنای بلندی است هرآن چیز یکه در بالا باشد شامل است .. وسعت دو قسم است یکی وسعت شروع ساختار است، یکی هم بعد از ساختار، وسعت شروع ساختار سرعت آن به اندازه سرعت نور است.

خداوند ﷻ از لحظه که امر وسعت عالم را داده است تا همین لحظه به همان سرعت نور، جهان در وسعت است با این

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۲۱

سرعت پروردگار عالم در سوره نازعات، آیت (۳) قسم یاد نموده، چنین می‌فرماید: «وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا». ترجمه: قسم به شنا کنندگان بسرعت، و اما وسعت بعد از ساختار ضعیف است مثلاً همین کهکشان خودمان که کهکشان راه شیری است، این هم وسعت پیدا می‌کند. بنا به اثر همین وسعت تمام ستاره‌ها و سیارات از همدیگر دور میشوند بطور مثال ماه، سالانه اندکی از زمین دورتر می‌شود. این وسعت هم از نگاه قرآن ثابت است و هم از نگاه علم، خداوند متعال در همه جا حرکت کهکشان‌ها و ستاره‌ها را به لفظ شناور یاد کرده درحالی‌که شنا در بحر‌ها صورت می‌گیرد، این نشان می‌دهد که فضا از دیدگاه قرآن یگ خلاء مطلق و پوچ نیست، بلکه یگ بحر است عظیم، نه تنها قرآن کرم فضا را خالی نمی‌داند بلکه فزیک دانان مدرن هم به این عقیده اند یگ بافتی در فضا وجود دارد که تمام اجرام بر روی آن غوطه‌وراند، سوال چرا خداوند ﷻ دور زمین را هفت طبقه ساخت، از گازات، جواب این را خداوند ﷻ در سوره انبیاء آیت (۳۲) چنین می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا». ترجمه: و گردانیدیم آسمان را سقف محافظتی، در آیت سی همین سوره خواندید که خداوند متعال فرمود آسمان و زمین با هم مخلوط بودند ما

۲۲ / صلاح الدین سادات

آنها را از همدیگر جدا نموده آسمان را آسمان و زمین را زمین ساختیم.. پس همین آسمان را سقف محافظتی زمین قرار دادیم، این سقفِ محافظتی زمین را از تمام بلاهای آسمانی محافظت می‌کند، این آیات تمام آن روایات ها را رد می‌کند که می‌گویند، یک آسمان در این جهان و یک آسمان دیگر هم در جهان دیگر، تا هفتم و هم‌چنان بعضی روایات دیگر را هم رد می‌کند که می‌گویند، یک آسمان از لاجورد و یک آسمان دیگر از یاقوت تا هفتم از هفت چیز، چرا که خداوند ﷻ صراحتاً بیان نموده است که هفت طبقه آسمان دور زمین از گازها ساخته شده است بخاطر محافظت زمین. حالا ما مسلمان‌ها هیچ نوع آله و اسباب فضایی نداریم که طبقات آسمان را تعیین کند و هم چنین در هر طبقه چه نوع گاز وجود دارد، آنرا هم نمی‌دانیم، مجبوریم که برویم سراغ دست آوردهای دانشمندان غیر اسلامی که در مسایل فضایی کار می‌کنند، و آن‌ها فضای زمین را به پنج طبقه تقسیم کرده‌اند. البته تا ده هزار کیلومتری بالای زمین را، ما هم گفته‌های آن‌ها را با گفته‌های قرآن کریم مقایسه نموده، تقسیم بندی می‌کنیم.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۲۳

طبقه اول آسمان

لفظِ آسمان به هر بلندی اطلاق می‌شود، اما در جای که هفت طبقه آسمان و یا آسمان و زمین ذکر شود، مخصوص همین هفت طبقه دور زمین می‌باشد، و اما بدون ذکر زمین به تمام بلندی‌ها اطلاق می‌شود. ضخامت طبقه اول را نظر به تحقیقات علمی تا ده کیلومتری بالای زمین را گرفته اند و متشکل است از ۷۸٪ نایتروجن، ۲۱٪ آکسیجن و ۱٪ از گازات مختلف دیگر می‌باشد. در این طبقه که اولین طبقه آسمان است همه زنده جان‌ها و پرنده‌ها در همین آسمان زندگی می‌کنند هم‌چنان پرواز طیارات مسافربری، باریدن برف و باران، ابرها، رعد و برق همه و همه از همین آسمان صورت می‌گیرد. این گفته‌ها از نظر دانشمندان علوم نجومی بود، عین چیز است که قرآن کریم بیان می‌کند.

این طبقه که طبقه اول است از اهمیت خاصی برخوردار است چراکه خداوند متعال این طبقه را در ده‌ها جای از قرآن بنام آسمان یاد کرده، می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً». ترجمه: فرود آوردیم از آسمان آب باران را. هم‌چنان در ده‌ها جای می‌فرماید: فرود آوردیم از آسمان عذاب را بالای فلان قوم، خلاصه در همه جا خداوند متعال این طبقه

۲۴ / صلاح الدین سادات

را بنام آسمان یاد کرده است، در این طبقه که طبقه ی اول است به هراندازه که بالا بروید، هوا سردتر و آکسیجن هم کمتر می‌شود تا آخرین مرحله ده کیلومتری سردی به منفی ۵۰ درجه میرسد. کمبود آکسیجن در بالا را قرآن کریم نیز تأیید می‌کند، چنانچه در سوره انعام آیت (۱۲۵) چنین می‌فرماید: «وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعْدُ فِي السَّمَاءِ». ترجمه: کسی را که بخواهد گمراه کندش، میگرداند، سینه او را بی نهایت تنگ مثل کسی که بالا می‌رود به آسمان.

اول اینکه خداوند متعال در این طبقه که ما زندگی میکنیم به نام آسمان یاد کرد و بعداً اشاره نمود که هرقدر به آسمان بالا بروید دل تنگی هم زیاد شده، نفس قید میشود بخاطریکه آکسیجن در بالا کم است. بناءً دل تنگی مشرکین را به دل کسی تشبیه داد که به آسمان بالا می‌رود، گرچند هنگام نزول این آیت هیچ کس نمیدانست که در بالا، نَفَس کشیدن مشکل باشد اما حالا با پیشرفت علم ثابت شد که چنین است. مهم ترین وظیفه این طبقه معتدل نگه داشتنِ هوای زمین است، اگر این طبقه نباشد، بعداز طلوع آفتاب درجه حرارت به ۱۷۰ درجه بلند می‌رود

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۲۵

و اما بعد از غروب آفتاب به منفی (۹۰) درجه میرسد. پس در هردو صورت زندگی کردن مشکل خواهد بود. خداوند متعال این طبقه اول آسمان را مخلوط با هم نشینان زمین ذکر کرده است، چنانچه در سوره سباء آیت (۹) چنین می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ». ترجمه: آیا نمی بینند به آنچه پیش روی شان است و آنچه پشت سرشان از آسمان و زمین، یعنی آسمان را مثل زمین موجود ذکر نمود، از اینکه پیشروی تان هم آسمان و زمین و پشت سرتان هم آسمان و زمین. این گازات موجود در روی زمین در رگ رگ وجود مان مخلوط می باشد. این بود طبقه اول آسمان از نگاه علمی و قرآنی.

۲۶ / صلاح الدین سادات

طبقه دوم آسمان

شروع طبقه دوم نظر به تحقیقات علمی که توسط دانشمندان علوم نجومی صورت گرفته است از ۱۰ کیلومتری بالای زمین شروع می‌شود تا ۵۰ کیلومتری بالای زمین امتداد دارد. از شروع این طبقه، درجه حرارت شروع به بالا رفتن می‌کند، در طبقه اول هر قدر که بالامیرفتید همان قدر سردی زیادتر می‌شد اما در طبقه دوم هر قدر که بالا بروید به همان اندازه درجه حرارت بالا می‌رود. وظیفه مهم این طبقه آن است که مضررات آفتاب را دفع می‌کند و نمی‌گذارد که مضررات آفتاب به طرف زمین بیاید، در صورت نبود این طبقه تمام باشندگان زمین به خطر سرطان پوستی مواجه میشدند اگر می‌خواهید طبقه دوم تا پنجم از چه نوع گازها ساخته شده به تحقیقات علمی مراجعه کنید

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۲۷

طبقه سوم آسمان

نظر به تحقیقات دانشمندان علوم نجومی شروع طبقه سوم آسمان از ۵۰ کیلومتری بالای زمین شروع می‌شود و تا ۸۵ کیلومتری بالای زمین امتداد دارد.

این طبقه بر خلاف طبقه دوم شروع به سرد شدن می‌کند و بالایی‌های این طبقه تا منفی ۹۰ درجه میرسد. وظیفه مهم این طبقه محافظت زمین از شهاب سنگ‌ها بوده و نمیگذارد که شهاب سنگ‌ها به طرف زمین بیایند، کاملاً سنگ‌ها را می‌سوزاند و در صورت هوای صاف در شب تاریک شما هم می‌توانید حالت سوختن آنرا مشاهده کنید. مثلاً در شب طرف آسمان نگاه کنید گاه‌گاه‌های نورها بسیار به سرعت بالا حرکت می‌کنند، همان‌ها شهاب سنگ‌های در حال سوختن هستند. اگر این طبقه نبود، همه روزه هزاران شهاب سنگ به زمین برخورد می‌کرد و جان هر موجود روی زمین را می‌گرفت.

۲۸ / صلاح الدین سادات

طبقه چهارم آسمان

چهارم طبقه‌ی آسمان از ۸۵ کیلومتری بالای زمین شروع می‌شود تا ۷۰۰ کیلومتری بالای زمین امتداد دارد. در این طبقه از آسمان شفق‌های قطبی تولید می‌شود، این طبقه برخلاف طبقه سوم شروع به گرم شدن می‌کند و درجه حرارت آن از ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ درجه میرسد.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۲۹

طبقه پنجم آسمان

طبقه پنجم آسمان از ۷۰۰ کیلومتری بالای زمین شروع می‌شود و تا ۱۰۰۰۰ کیلومتری بالای زمین امتداد دارد.

این طبقه هم به نوبه خود، وظیفه دفع شعاع انفجارهای که در خورشید رخ میدهد را دارد و اجازه نمی‌دهد که شعاع این انفجارها از این طبقه عبور کند. اگر این طبقه نبود تمام گازات موجود زیر این طبقه را خورشید می‌بلعید. بناءً هرکدام از طبقات آسمان وظیفه خاص خود را دارد چنانچه درسوره انبیاخواندید که هفت طبقه آسمان بخاطر محافظت زمین ساخته شده است ، این طبقات از آسمان از نگاه علمی بنام تروپوسفر، و استراتوسفر، و مزوسفر، و ترموسفر، و اگزوسفر، و یونوسفر، و مگنتوسفر، شناخته میشوند. اما از نگاه قرآن همه بنام آسمان یاد شده است.

تحقیقات علمی تا ۱۰۰۰۰ کیلومتری بالای زمین را بررسی نموده به پنج طبقه تقسیم کرده اند. طبقه ششم و هفتم آنقدر وسیع است که اسباب امروزی نمی‌تواند محدوده آنرا تعیین کند، امکان دارد در آینده ها با پیشرفت علم و تکنالوژی محدوده آن‌ها هم معلوم شود. حالا می‌پردازیم به طبقه ششم و هفتم آسمان از نگاه قرآن.

۳۰ / صلاح الدین سادات

طبقه ششم آسمان

طبقه ششم آسمان از ۱۰۰۰۰ کیلومتری بالای زمین شروع می‌شود تا محدوده منظومه شمسی امتداد دارد. در این آسمان، خورشید همراه با سیاراتش به شمول مهتاب داخل همین آسمان قرار دارد. چنانچه خداوند متعال در سوره نوح آیت (۱۶) چنین می‌فرماید: «وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا». ترجمه: گردانید ماه را در میان آسمان‌ها روشنی و گردانید آفتاب را چراغی فروزنده. خداوند متعال در (۱۵) همین سوره، هفت طبقه بودن آسمان را ذکر می‌کند، بعداً در آیت (۱۶) می‌گوید که داخل همین آسمان آفتاب و مهتاب می‌باشد. وقتی که آفتاب و مهتاب وجود داشت و دیگر سیارات آفتاب هم داخل همین آسمان می‌باشد. در آیت اول ماه ذکر شد بعداً آفتاب چراکه تقسیمات آسمان از پائین به بالا است چون ماه در ۳۸۵۰۰۰ کیلومتری بالای زمین قرار دارد. آفتاب هم در ۱۵۰ میلیون کیلومتری بالای زمین واقع است. بناءً خداوند متعال اول ماه را ذکر کرد، سپس خورشید را، اما زمین را ذکر نکرد چراکه زمین در این آسمان نیست، بلکه زمین در آسمان اول است. معلوم نیست که در صورت نبود این طبقه چه بلایی بر سر

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۳۱

باشندگان زمین می آمد، حتماً بدون حکمت و نفع نمی
باشد.

۳۲ / صلاح الدین سادات

طبقه هفتم آسمان

طبقه آسمان هفتم از محدوده شمسی شروع می‌شود تا آخر دنیایی ما که کهکشان راه شیری نام دارد، همه ستاره‌ها و سیارات به شمول خود کهکشان راه شیری داخل همین آسمان هفتم می‌باشد، چنانچه خداوند ﷻ در سوره ملک آیت (۵) و هم‌چنان در سوره صافات آیت (۶) چنین می‌فرماید: «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ». ترجمه: به تحقیق زینت دادیم ما آسمان دنیا را به چراغ‌ها که همان ستاره‌ها می‌باشد، دنیا عبارت از کهکشان راه شیری است چراکه مرکز دنیای ما همین کهکشان میباشد. وسعت آسمان هفتم را هیچ کس اندازه کرده نمیتواند به جز از پروردگار که آنرا خلق کرده، همچنین کس نمی‌داند که این طبقه چه نفع بالای زمین دارد، چراکه پروردگار عالم در سوره انبیاء آیت (۳۲) تذکر داده است که تمام طبقات آسمان بخاطر محافظت زمین ساخته شده است. اینکه چطور یگ دود آتش فشانی به جای نا بودی تبدیل به هفت طبقه ی حفاظتی میشود، و چطور زمین را با کل کهکشان در یک تعادل ملی متری قرار میدهد نشان دهنده ای یگ اراده آگاه است که لحظه به لحظه این امر را تدبیر میکند

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۳۳

بناء حیات تصادفی نیست بلکه ثمره یگ بر نامه دقیق است
که وقتی زیر ساخت ها یش تمام شد زندگی آغازگشت.

۳۴ / صلاح الدین سادات

پی در پی بودن هفت طبقه آسمان

طبقه بندی آسمان‌ها را از نگاه علوم نجومی خواندید که همه با هم متصل بوده و باهم پیوست می باشند واز نگاه قرآن هم آسمان‌ها باهم متصل ذکر شده است. مثلاً قرآن کریم در سوره ملک آیت (۳) چنین می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا». ترجمه: الله ذات است که پیدا کرده هفت طبقه آسمان را پی در پی با هم متصل. هم‌چنان در سوره نوح آیت (۱۵) چنین می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا». ترجمه: آیا نمی‌بینند چگونه پیدا کرده هفت آسمان‌ها را پی در پی باهم متصل نظر به آیات که ذکر شد صراحتاً بیان نمود که آسمان‌ها باهم متصل می باشند نه از هم جدا، عین چیزیکه گزارشات علمی می گوید. در همه جا خداوند متعال آسمان را بنام ساختمان یاد کرده است و در چند جای ساختمان هفت طبقه ای یاد کرده است. بناءً این آیات بعضی روایات را رد می‌کند که می‌گویند، یک طبقه در این جهان و یک طبقه دیگر در جهان دیگر تا هفتم. هم‌چنان در سوره انبیاء آیت (۱۲) می‌فرماید: «وَبَيْنَنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا». ترجمه: بنا کردم بالای سر شما هفت بناء محکم.. گرچه این طبقات ازگازها

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۳۵

ساخته شده است لکن آنقدر سخت و مقاوم اند که تمام شهاب سنگ های که طرف زمین می آیند نمیتواند ازین طبقات عبور کند.. کلمه شداد یعنی بسیار محکم به خوبی تو صیف کننده این است که این لایه ها صرفا گازهای رها شده نیستند بلکه یگ سستم دفاعی نفوذنا پذیرومهندسی شده هستند درواقع این لایه ها مانند یگ صافی هوشمند عمل میکنند سنگ های سرگردان وپرتوهای خطرناک را متوقف میکنند به اجسام که انسان ها با علم وطراحی دقیق ساخته شده اند اجازه عبور میدهند.. علاوه بران این لایه ها صرفا دراطراف زمین معلق نیستند بلکه بخشی جداینا پذیراززمین محسوب میشوند ودقیقا با همان سرعت زمین حدود ۱۶۰۰ کیلومتر در ساعت به دور مرکز خود میچرخد اگر این لایه هاهمراهی زمین نمی چرخید ما شاهد باد های با سرعت ۱۶۰۰ کیلومتر در ساعت بودیم که همه چیز را از روی سطح زمین پاک میکرد، این ها همان بنای محکم هستند که زمین را در آغوش گرفته اند تا زندگی درمیان این چرخشی سریع در کمال آرامش زمین مثل گهواره باشد.

۱۳۶ / صلاح الدین سادات

هفت طبقه بودن زمین

خداوند متعال داخل زمین را هم عین آسمان هفت طبقه آفریده است ، چنانچه خداوند ﷺ در سوره طلاق آیت (۱۲) چنین می فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ». ترجمه: الله ﷻ ذات است که پیدا کرده هفت طبقه آسمانها را و از زمین هم مثل او .. قبلاً خواندید که خداوند متعال در مرحله‌ی اول زمین را گسترش داده است، این گسترش هفت طبقه بوده داخل زمین این هفت طبقه داخل زمین هم مثل هفت طبقه آسمان از اهمیت خاصی برخوردار است. چنانچه لایه های بالای نبا شد بلا فاصله از نبود اکسیجن و فشارمی میریم این چنین اگر لایه های درونی هم نباشد زمین محافظ مغناطیس اش را از دست مید هد جوش توسط خورشید نا بود میشود خلاصه لایه های درونی به لایه های بیرون در ارتباط مستقیم هستند تا که حیات در بالای زمین ادامه پیدا کند . در بین زمین هسته زمین قرار دارد و این هسته ارتباط دارد با مرکز خود که کهکشان راه شیریست، چنانچه خداوند ﷻ در سوره طلاق، آیت (۱۲) می فرماید: «يَنْزِلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ». ترجمه: نازل می شود حکم پروردگار در میان آنها، یعنی با وجود

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۳۷

این همه راه دور که به هیچ حسابی برابر نمی شود یک نوع ارتباط بین کهکشان و بین هسته ای زمین وجود دارد نیروهایکه از اعماق زمین مانند میدان مغناطسی برون می آیند بانیهاییکه از فضا وارد می شوند در فضای میانی با هم ملاقات کرده و خنثی می شوند تا محیطی امن برای انسان فراهم شود بناء در آخر همین آیت می فرماید: «لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». ترجمه: تا بدانید که الله ﷻ بر هر چیزی توانا است.

۳۸ / صلاح الدین سادات

پیدائش آب در زمین

سبب زندگی همه زنده جانها آب است، چنانچه در سوره انبیادربخشی آیت ۳۰ چنین میفرماید، وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۰﴾ ترجمه وهر چیزی زنده ای را از آب پدید آوردیم پس چرا ایمان نمی آورند ..؟ آب ازدو طریق در زمین بوجود آمده طریق اول مقادیر زیاد اب از داخل خود زمین بیرون آمده، در اعماق زمین در لایه‌ای بنام گوشته مقدار عظیم اب به شکل ترکیبات معدنی وجود داشت در ابتدای شکل گیری زمین، فعالیت اتم فشرده این اب هارا بصورت بخارزدل زمین خارج کرد، این بخار ها در جوی اولیه سرد شدند سپس به شکل باران های سیل آسا به زمین باز گشتند این بازگشت سیل آسا صدها هزار سال دوام داشت واقیانوس هارا در گودال ها سرا زیر کردند، این همان آب است که خداوند متعال در سوره نازعات، آیت (۳۱) چنین می فرماید: «أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا» یعنی بیرون کرد از خود زمین آبش را و گیاه ها نش را.. یعنی آبیکه داخل زمین بود بیرون آورد.. طریق دیگر آمدن آب در زمین توسط سیارک های یخی و دنباله دار هاست که هزاران سال بطور عجیبی به زمین بر خورد میکردند این قسم آمدن آب

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۳۹

را در زمین خدا وندمتعال تعجب آور ذکر میکند ، چنانچه در سوره عبس، آیت (۲۵) چنین می فرماید: «أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا». ترجمه:، به تحقیق ریختیم ما آب را ریختنی عجیب.. صب. در لغت بمعنای ریختن آب ظرف از بالا به یگ باره گی است. این تعبیر بافر آیند ورود حجم غظیم آب از طریق بمباران سیا رک ها ودنباله دارهاکه با سرعت بسیار زیاد ازفضاء به زمین بر خورد میکردند هما هنگی عجیبی دارد :. زمین کا ملا درین دو مرحله تکمیل شد لایه های هفت گانه هم در یگ مر حله تمام شد زمین هم ازدو طریق پر ازآب شد مگر باز هم حیات در اقیانوس ها باقی میماند در خشکی ها تنوع حیات صورت نمیگرفت، چراکه تمام خشکی ها فعلا یگ پارچه هستند باید آن خشکی ها پارچه پارچه شوند تا قاره ها پدید بیایند بناء خدوند عالم زمین را پارچه پارچه نمود چنانچه . در سوره عبس، آیت (۲۶) می فرماید: «ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا». ترجمه: بعدازآن شقه شقه کردیم ما زمین را شقه شقه کردنی ، ثم بعد زمانی ست یعنی بعداز مدتی زمین را شکافتیم . شق بمعنای پاره کردن وجدا کردن است . به سببی شقه کردن زمین قاره ها به وجود آمدند ، به تعقیب این آیت تذکر میدهد که

۴۰ / صلاح الدین سادات

«فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا». ترجمه: پس رویانیدیم در آن زمین های شقه شده دانه، چراکه بدون شکل گیری گیا هان ودرختان باز هم شکل گیری حیات ناقص می ماند چون همین گیا هان ودرختان هستند که نیم اکسیجن جهان را تشکیل میدهند ، حالا زمین به ساخته شدن هفت طبقه ای داخلی، و سپس ساخته شدن کوه ها بالای زمین ، و سپس ساخته شدن هفت طبقه ای گازی از بالای زمین، و بعدا هم پیدایش آب درزمین، و بعدرازان پیدایش قاره ها ، و سپس گیا هان و درختان ، دیگرزمین به پایه ای اکمال رسید حالا هر زنده جانی میتوانند درزمین زندگی کنند ، تمام این ساختار در شش روز هر دو روز یک مرحله در سه مرحله به اتمام رسید، چنانچه خداوند متعال درسوره ای ق آیت ۳۸ چنین میفرماید وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ (۳۸) ترجمه ؛ وبه یقین آسمان ها وزمین و آنچه درمابین آن دواست درشش روز آفریدیم وهیچ گونه خستگی ودر ماندگی به ما نرسید ، قبلا گفتم که در هر جائیکه آسمانها وزمین ویا هفت طبقه آسمان ذکر شود منظور هفت طبقه ای بالای زمین میباشد چراکه خداوند متعال درآیت از اتمام ذکر نمود اگر ازآسمانها

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۴۱

کل جهان را بگیریم کل جهان نظر به آیت ۴۷ سوره ای زاریا
 ت در حال وسعت و خلقت است نه تمام شده ؟ همچنین
 خداوند متعال درسوره فصلت بطور واضح و آشکارا بیان
 نمود که درین شش روز زمین و هفت طبقه آسمان ساخته
 شد نه کل کائنات، در آیت بین هر دو یعنی بین زمین
 و آسمان ذکر شد بین هر دو همان نیروهای نامرئی است که
 زمین و آسمان را قاءیم نگه داشته است، خداوند متعال تمام
 این ساختارها را مخصوص انسانها ذکر نموده است
 چنانچه درسوره نازعات (۳۳)، همچنان در سوره عبس، آیت
 (۳۲) می فرماید: همه ای اینها بخاطر معیشت شما و
 چهارپایان شما است. از این آیات معلوم می شود که تمام
 ساختار زمین به خاطر انسانها ساخته شده است، گرچه
 قبل از پیدائیش انسانها میلیون ها سال، حیوانات عظیم
 الجسه در زمین زندگی کرده بودند اما آنها هوشمند نبودند
 که مأمور به عبادت باشند هوشمندان که مأمور به عبادت
 اند، انس و جن اند، اما جنها از قرار گفته های قرآن کریم،
 احتیاج به خورد و نوش راندارند چراکه خداوند متعال همه
 ی آن چیزهای خوراکی را مختص به انسانها و چهارپایان
 آنها، ذکر نموده.. خداوند متعال زمین را بانظم حیرت انگیز

۴۲ / صلاح الدین سادات

مهندسی کردوانسان رابه عنوان خلیفه درآن قرارداد، مسؤلیت انسان درقبال این امانت بزرگ در سه محور اصلی خلاصه میشود ، یک، آبادگری وشگوفای یعنی استفادہ از استعدادها برای شگوفای طبیعت نه تخریب آن، دو، حفظ تعادل میزان، خداوندمتعالم زمین را با نظم ومیزان آفریده است مسؤلیت انسان این است که با زیاده خواهی.مصرف گرای بیش حد.وآلوده کردن منابع آب وخاک وهوا این نظم مهندسی شده را به هم نزنند؟ سه ، عدالت در بهره برداری، منابع زمین متعلق به همه نسل ها است انسان باید به گونه ای ازطبیعت استفاده کندکه حقی آئنده وسایر موجودات زنده ضایع نشود؟ پس باید انسان این نعمت بزرگ پروردگارراشکر گزاری نموده از اسراف وفساد فی الارض پرهیزنماید؟ خلاصه ملیونها سال زمین به همین حالت بود تا روزیکه خداوندﷻ خواست، انسان را به زمین بیاورد. آوردن انسان را میگذاریم به بعد، می پردازیم به گردش زمین و دیگر اجرام کائنات.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۳

گردش زمین

زمین سومین سیاره خورشید است، غیر از گردش مرکزی دو نوع گردش خودی دارد. گردش دور خود و هم گردش دور خورشید، گردش دور خود را در ۲۴ ساعت تمام می‌کند که از این چرخش روز و شب به وجود می‌آید که سرعت چرخش آن در خط استوا حدود ۱۶۷۰، کیلو متر بر ساعت است اما هرچه به قطبین نزدیک شویم، این سرعت کمتر می‌شود، و اما چرخش دور خورشید را در ۳۶۵،۵ روز تمام می‌کند از این چرخش سال به وجود می‌آید، زمین با سرعت حدود ۳۰ کیلو متر بر ثانیه در فضای بیکران پیش می‌رود.

خداوند ﷻ گردش زمین را در سوره نمل آیت (۸۸) چنین می‌فرماید: «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ». ترجمه: می‌بینی کوه‌ها را گمان می‌کنی در جای ایستاده باشند در حالیکه می‌روند مثل رفتار ابرها، یعنی مثل ابر در حرکت می‌باشند. بعضی‌ها مفهوم این آیت را به روز قیامت ربط داده اند در حالیکه در قیامت کوه‌ها کاملاً از بین می‌روند، اثر از کوه‌ها باقی نمی‌ماند. بناءً این تشبیه در دنیا است نه در قیامت. نزدیک ترین اجرام به زمین ماه است

۴۴ / صلاح الدین سادات

یعنی اندکی بیشتر از یک ثانیه نوری فاصله دارد. یک ثانیه نوری برابر با ۳۰۰ هزار کیلومتر می باشد اما فاصله ماه به زمین ۳۸۵ هزار کیلومتر است.

دانشمندان معتقد اند که ماه جدا شده از زمین است لکن آنجا زندگی کرده نمی شود چراکه جوی آن نازک است، نه از شهاب سنگ ها محافظت کرده می تواند و نه هوای معتدل دارد. وقتیکه آفتاب بتا بد درجه حرارت به ۱۷۰ درجه سانتی گرید بالا می رود، اما آنطرف که شب است درجه حرارت هوا به منفی ۱۲۰ درجه سانتی گرید پائین می آید. همچنان جاذبه آن ضعیف است، به هر شکل آنجا زندگی کرده نمی شود.

فاصله زمین به خورشید ۸ ثانیه نوری است به حساب ما ۱۵۰ میلیون کیلومتر می شود.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۵

گردش خورشید همراه با دیگر اجرام آسمانی

خورشید یکی از ستاره های کهکشان راه شیری است که تمام سیارات خود را دور خود میچرخاند، علاوه بر آن خورشید با تمام سیاراتش دور مرکز خود که کهکشان است، میچرخد. خورشید هم دو نوع چرخش دارد، چرخش دور خود، چرخش دور کهکشان، خورشید به دور محور خودش می چرخد، سرعت چرخش آن متفا وت است، در استوا سریع تر می چرخد و هر دور آن حدود ۲۵ روز زمینی طول می کشد، درقطب ها کند تر است و هر دور آن حدود ۳۵ روز زمان می برد، سرعت حرکت خورشید به همراه کل منظومه به دور کهکشان ۸۲۸ کیلو متر بر ساعت است ۲۳۰ میلیون سال طول میکشد تا خورشید یک دور کامل به دور مرکز کهکشان راه شیری بچرخد، این کهکشان مثل آفتاب میلیاردها ستاره دیگر دارد،

چرخش کائنات را قرآن کریم هم تأیید می کند، مثلاً در سوره یاسین، آیت (۳۸-۴۰) چنین می فرماید: «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا». ترجمه: میگردد آفتاب به قرارگاه خود یا میگردد آفتاب همراه قرارگاه خود در آخر آیت می فرماید: «وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ». ترجمه: همه و همه شنا می کنند

۴۶ / صلاح الدین سادات

در مدار خود تسبیح گویان، کل همین معنا را دارد که همه، چه ستاره باشد و چه سیاره شناورند. هم‌چنان در سوره لقمان، آیت (۲۹) چنین می‌فرماید: «وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى». ترجمه: مسخر کردم آفتاب و ماه را تماماً می‌گردند به طرفیکه برای شان معین کرده شده و هم‌چنان در سوره انبیاء آیت (۳۳) چنین می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ». ترجمه: خداوند ذاتیست که پیدا کرده شب و روز را و آفتاب و مهتاب را تماماً همه و همه می‌گردند در مدار خود تسبیح گویان. از نگاه قرآن هیچ چیز در فضا ساکت نیست همه در گردش اند و از نگاه علم هم چیزی را که قرآن کریم بیان می‌کند، تأیید کرده است.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۷

فرق میان ستاره و سیاره

ستاره‌ها از خود نور دارند اما سیاره‌ها از خود نور ندارد. مثلاً شما یک ثانیه نوری از زمین فاصله داشته باشید، دیگر زمین را دیده نمی‌توانید مگر اینکه نور خورشید به زمین بتابد، در آنصورت می‌توانید زمین را ببینید، مثل ماه هرگاه نور خورشید به ماه رسید، ماه را دیده می‌توانید در غیر آن دیده نمیتوانیم اما ستاره‌ها از خود نور دارند. سائیرستاره‌ها هم مانند آفتاب می‌باشند، بعضی‌های شان از آفتاب بزرگتر و بعضی‌های شان از آفتاب کوچکتر و بعضی‌های شان برابر با آفتاب می‌باشد. از اینکه آن‌ها از زمین بسیار دور می‌باشند، کوچک معلوم میشوند. اکثر ستاره‌ها به میلیون‌ها مراتب از زمین بزرگتر اند.

حقانیت قرآن

در این شکی نیست که قرآن کلام پروردگار است، معجزه الهی است، معجزه بودنش در این است که در وقت نزول آیات، از نگاه عقل غیر قابل باور است اما با گذشت زمان توسط علم یکا یک آن ثابت می‌شود، چیزی را که قرآن بیان داشته است، حقیقت همان است. بعضی های شان به فاصله کم و بعضی هم با گذشت صدها سال بعد آشکار می‌شود، بطور مثال چند آیات که در وقت نزول درک آن مشکل و از نگاه عقل غیر قابل باور بودیا ن میکنم مثلاً در سوره رعد، آیت (۲)، هم‌چنان در سوره لقمان، آیت (۱۰) چنین می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا». ترجمه: الله ﷻ ذاتیست که بلند کرده آسمان‌ها را بدون ستون که ببینید آنرا، یعنی تمامی بلندی‌ها از قبیل کهکشان‌ها، ستاره‌ها و سیاره‌ها همه و همه در فضا موجود اند با یک قوه نامرئی استوار است، (ستون) قائم گیرنده را گویند، یعنی قائم گیرنده کائنات غیر مرئی است. در وقت نزول این آیت کسی باور نمیکرد که چنین قوه ای در فضا موجود باشد که همه کائنات توسط آن استوار باشد. اما حالا با پیشرفت علم دانشمندان فضایی بعد از تحقیقات زیاد در

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۴۹

یافتند که تمام اجرام چشم دید عالم، میلیونها کهکشان و ترلیون ها ستاره و سیاره فقط ۵٪ کل اجرام جهان را تشکیل میدهد و ۹۵٪ اجرام دیگر غیر مرئی است که به چشم دیده نمیشوند. چیزی را که خداوند متعال در قرآن بیان داشته است. هم‌چنین در سوره قیامت، آیت (۳-۴) چنین می‌فرماید: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ» (۳) بَلَى قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ» (۴). ترجمه: آیا گمان می‌کند انسان که جمع نخواهیم کرد استخوان های او را، بلی! قادریم بر اینکه بسازیم سر انگشتان او را، چرا خداوند متعال از تمام اعضای بدن انسان سر انگشتان را انتخاب نمود؟ زبده ترین مفسرین قرآن را ببینید هیچ کدام جواب درست در این باره نگفته اند که به حقیقت قرین باشد، اما حالا با پیشرفت علم، محققین دریافتند که در سر انگشتان انسان چنان نشان موجود است که منحصر به همان شخص می باشد نه به انسان‌های گذشته سرمیخورد و نه هم به انسان‌های آینده. بناءً خداوند متعال فرمود که از سر انگشتان تان شناسایی نموده عین چیزی که بودید، دوباره می باشید. هم‌چنان در چرخش کائنات مطالعه نمودید که هیچ چیز در کائنات ساکت نیست، همه و همه در گردش

۵۰ / صلاح الدین سادات

اند، چه چرخش خودی باشد و یا هم همراه با مرکز خود. در آن زمان که این آیات نازل شده بود «كُلُّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى»: هیچ کس باور نداشت که جهان با این خصوصیات باشد، تمام دانشمندان نجومی که قبلاً در گذشته اند نظریه آن‌ها را مطالعه کنید، می‌بینید هیچ کدام به یک عقیده نبودند، یکی چیزی میگفت با گذشت زمان یکی دیگر پیدا میشد گفته او را رد میکرد و چیزی دیگری میگفت. بارها و بارها چنین اتفاق افتاده است. قبلاً عقیده دانشمندان نه چندان دور به این بود که زمین مرکز جهان است آفتاب دور زمین میچرخد. بعداً یکی دیگر پیدا شد گفت که آنطور نیست بلکه آفتاب مرکز جهان است و زمین دور آن میچرخد. حالا توسط علم ثابت شد که نه زمین مرکز جهان بوده و نه هم آفتاب، تمام گزارشات آن‌ها غلط بوده و هیچ مرکزی برای جهان نبوده است، هر کهکشان مرکزیت ستاره‌ها و سیارات خود بوده و آن‌ها را دور خود می‌چرخانیده است؛ چیزی که حقیقت و ثابت است.

همین قول پروردگار است که می‌فرماید: تماماً شناورند در مدار خود تسبیح گویان. همچنین خداوند متعال درباره ای ساخت هفت طبقه آسمان چنین می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۵۱

إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ»، ترجمه بعداز آن به آفرینش آسمان پرداخت در حالیکه آسمان دود بود، بلی واقعا دود بود، دود های آتش فشانی که صد ها هزار سال ازدلی زمین بخاطر ساخت کوه ها بالا میشد در زمان نزول این آیت کسی باور نداشت که هفت طبقه ای بالای زمین ازدود ساخته شده باشد، خداوند متعال همین دود غلیظ را تبدیل به گاز ها نموده هفت طبقه محافظتی زمین ساخت، در حالیکه می گفتند یک آسمان از یاقوت و یکی هم از لاجورد تا آسمان هفتم، اما حالا تحقیقات علمی ثابت کرده است که آسمان از انواع گازها می باشد، عین چیزی که قرآن کریم بیان میدارد. هم چنان خداوند متعال در سوره الرحمن آیت (۳۳) می فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا». ترجمه: ای گروه جن و انس اگر می توانید به آسمان ها بالا شوید پس بالا شوید اگر داخل زمین شوید پس داخل شوید، این کار را کرده نمی توانید. در آخر آیت می فرماید: «إِلَّا بِسُلْطَانٍ» مگر با یک اسباب محکم، یعنی خداوند متعال برای انس و جن گفت که اگر قصد بالا شدن به آسمان ها را داشته باشید اول اسباب بالا شدن را بسازید بعداً هم به آسمان بالا شوید و هم به

۵۲ / صلاح الدین سادات

قعر زمین فروروید. در وقت نزول این آیت کسی باور میکرد که روز انسان‌ها اسباب ساخته به آسمان‌ها بالا شوند؟ اما حالا می‌بینیم که انسان‌ها چنین اسباب ساخته به فضا می‌روند اما تا هنوز هیچ دولت موفق نشده که اسباب ساخته به قعر زمین برود، چون حرارت هسته زمین آنقدر گرم است که هر آن چیزیکه به آنجا نزدیک شود، ذوب می‌شود. درجه حرارت هسته زمین به ۶ هزار درجه سانتی‌گرید میرسد، چون پروردگار نوید موفقیت آنرا داده است حتماً روز انسان‌ها به قعر زمین هم نفوذ خواهند کرد. هم‌چنان در سوره السباء آیت (۱۲) در باره تخت حضرت سلیمان (علیه السلام)، می‌فرماید: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غَدُوَهَا شَهْرٌ وَرَوَّاحَهَا شَهْرٌ». ترجمه: تسخیر کردیم برای سلیمان باد را توسط آن تخت بالا میشد و پرواز میکرد، چای صبح را در فلسطین و نان چاشت را یک ماهه دورتر از جای که چای صبح را خورده بود، می‌خورد. این یک افسانه نیست بلکه داستان واقعی است که یک نوع گوشزد به دیگر انسان‌ها می‌باشد. اگر شما هم باد را تسخیر کنید می‌توانید پرواز کنید چراکه خداوند ﷻ نگفته این معجزه حضرت سلیمان (علیه السلام) بود بلکه گفت که حضرت سلیمان (علیه السلام) باد را تسخیر کرده

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۵۳

بود، زیر فرمان حضرت سلیمان (علیه السلام) قرارداداشت و توسط آن پرواز میکرد. امروز می بینیم که انسان های دیگر نیز موفق شده اند تا باد را زیر فرمان خود بیاورند و پرواز کنند، اما در زمان نزول این آیت، شاید کسی باور نمیکرد که روزی انسان های دیگر هم مثل حضرت سلیمان (علیه السلام) پرواز کنند. اما حالا به چشم سر می بینیم که همه روزه هزاران هواپیما نشست و برخاست می کنند، همه این نشست و برخاست ها توسط باد انجام می شود.

پیش گویی که قرآن کریم نموده است، در چندسال آینده بوقوع پیوسته بود، جنگ فارس و روم بود که بین فارس و روم جنگی صورت گرفته بود که رومی ها از فارسی ها شکست خورده بودند بعداً به پیامبر خدا ﷺ آیت نازل شد که در چند سال آینده باز بین فارس و روم جنگی صورت می گیرد، این بار فارسی ها شکست میخورند و رومی ها پیروز میشوند که همین طورهم شد. آیا کسی گفته می تواند که در چند سال آینده بین دو ابر قدرت نظامی جنگی صورت می گیرد، یک طرف آنرا تعیین کند که پیروز میدان می شود؟! این پیشگویی را هیچ کس گفته نمی تواند به جز پروردگار عالم که هم از گذشته با خبر است و هم از آینده.

۵۴ / صلاح الدین سادات

تمام آن آیات که در وقت نزول آن از نگاه عقل غیر قابل باور بود، ۸۵٪ آن توسط علمی امروزی حقانیت آن آشکار شده است. یکی آن آیات که تا هنوز انسان‌ها به آن دسترسی پیدا نکرده اند، علم‌یست که توسط آن زمان محو می‌شود و نیاز به زمان نیست مثل نامه حضرت سلیمان (علیه السلام) به بلقیس. حضرت سلیمان (علیه السلام) به بلقیس نامه می‌فرستد در آن نامه به بلقیس اخطار میدهد که مسلمان شده نزد من حاضر شوید در غیر آن صورت نابود خواهید شد. وقتیکه حضرت سلیمان (علیه السلام) از آمدن بلقیس آگاه می‌شود به حاضرین مجلس می‌گوید، کسی هست که تخت بلقیس را نزد من بیاورد و پیش از اینکه بلقیس نزد من بیاید؟ یکی از عفریت‌ها می‌گوید که من تخت را می‌آورم، پیش از اینکه جلسه تمام شود اما کسی دیگری می‌گوید که من به یک چشم برهم زدن تخت را نزدت حاضر میکنم همین طور هم کرد. خداوند ﷻ می‌فرماید که نزد آن شخص علم بود، این علم نیاز به زمان ندارد، محو زمان است نزد هرکسی که آن علم باشد هرجایی را که بخواهد آن‌ا همانجا خواهد بود، مثل رفت و آمد ملائیکه‌ها که از سدره المنتهی به زمین رفت و آمد می‌کنند آن‌ها نیاز به زمان ندارند. این

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/ ۵۵

علم را خداوند ﷻ در قرآن اشاره کرده است که چنین علمی وجود دارد اما تاهنوز انسان‌ها موفق نشده اند که به چنین علمی دسترسی پیدا کنند. حتماً روزی انسان‌ها موفق خواهند شد به این علم هم دسترسی پیدا کنند چراکه خداوند ﷻ هرچیزی را در قرآن ذکر کرده است، افسانه نه، بلکه حقیقت آشکار و واقعی است.

گرچه این علم از نگاه عقل غیر قابل باور است اما صد در صد واقعی است تمام آن آیات که در بالا ذکر شد در وقت نزول آن باور کردن آن از نگاه عقل مشکل بود به همین سبب مشرکین پیامبر خدا ﷺ را دیوانه می‌گفتند، اما حالا با پیشرفت علم ثابت شد که همه حقیقت و واقعی بوده است، پس این کلام پروردگار را نسبت دادن به کلام بشر کار احمقانه و جاهلانه است.

۵۶ / صلاح الدین سادات

پیدائش انسان در زمین

قبلاً گفتیم که پیش از انسان‌ها، میلیون‌ها سال حیوانات غیر هوشمند عظیم الجسه در زمین زندگی می‌کردند، البته با موجودیت آن‌ها زندگی کردن برای انسان‌ها در زمین غیرممکن بوده است. بناءً خداوند متعال آن‌ها را توسط سنگ‌های آسمانی کلاً از بین برد تا که برای انسان‌ها یک زندگی بی‌تشویش مهیا شود. این اختطاریه را خداوند متعال برای انسان‌ها هم بعید نمداند. چنانچه در سورهٔ ملک آیت (۱۷) چنین می‌فرماید، آیا ایمن شده اید از کسیکه در آسمان است از اینکه بفرستد بر شما سنگ ریزه، سپس خواهید دانست که چگونه است ترسانیدن من، یعنی خداوند متعال به انسان‌ها چنین گوشزد نمود که آنان حیوانات بسیار قوی و عظیم الجسه بودند، در مقابل سنگ آسمانی تاب نیاوردند و کاملاً از بین رفتند، شما به هیچ صورت تاب آورده نمی‌توانید، یعنی از حد می‌گذرید، تابع امر پروردگار باشید حالا دیگر زندگی کردن در زمین برای انسان‌ها صد در صد مهیا است. بناءً پروردگار عالم به ملائکهٔ مسؤل امر می‌کند که به زمین رفته از گل آن بیاورد، چون مرکز تجمع ملائکه‌ها در سدره المنتهی

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۵۷

میباشد. شاید این گل را به سدره المنتهی برده باشد چون جنت هم در نزدیکی‌های سدره المنتهی قرار دارد. از این گل کالبد حضرت آدم (علیه السلام) ساخته شده است، سپس به آن روح دمیده می‌شود بعد از دمیدن روح به ملائکه‌ها امر می‌شود که به آدم سجدهٔ تکریمه کنند همه سجده می‌کنند بجز ابلیس، دلیل سجده نکردن آنرا می‌پرسند، ابلیس در جواب می‌گوید که انسان از خاک آفریده شده و من از آتش. بناءً من بر آن برتری دارم، عدم اطاعت او از امر پروردگار سبب نفرین او می‌شود. سپس هر آن چیزیکه برای انسان‌ها بکار آید را پروردگار به حضرت آدم (علیه السلام) می‌آموزاند.

اول از ملائکه‌ها سوال می‌کند، اینها به خاطر چه ساخته شده و برای چه کار می‌آیند؟ ملائکه‌ها لاجواب میمانند و می‌گویند، پروردگارا ما چیزی را میدانیم که تو به ما آموخته‌ای، بیشتر از آن نمیدانیم. بعد از حضرت آدم (علیه السلام) پرسیده می‌شود، همه آن چیزها را به خاطر چه آفریده و برای چه بکار می‌آید، همه را یکایک شرح میدهد گویا دانش حضرت آدم (علیه السلام) بر ملائکه می‌شود.

سپس حضرت حوا خلق می‌شود، هردو به امر پروردگاره جنت برده میشوند و قتیکه داخل جنت میشوند برایشان

۵۸ / صلاح الدین سادات

گفته می‌شود تمام چیزهای که در جنت است، در اختیار تان میباشد. اما به جز این درخت، درخت برای شان نشان داده می‌شود و به آن‌ها گفته می‌شود که خوردن میوه این درخت برای تان ممنوع است حتی نزدیک آن نشوید و برای شان این هم گفته می‌شود که شیطان دشمن آشکار شماست از آن حذر کنید، مبادا که فریب سخنان آنرا بخورید. حضرت آدم و حوا در جنت می‌مانند، پوشاکی‌ها جنتی برتن شان انواع و اقسام میوه‌های جنتی در اختیار شان قرار می‌گیرد، به بسیار خوشی و خرمی می‌زیستند، هیچ نوع غمی و اندوهی برای شان پیش نمی‌آمد. اما ابلیس به جنت داخل می‌شود شروع می‌کند به وسواس کردن و آن‌ها را تحریک می‌کند که از میوه‌ی آن درخت بخورند. اما حضرت آدم و حوا به وسواس ابلیس اهمیت نمی‌دهند بالاخره ابلیس به حضرت حوا قسم خورده می‌گوید که من به شما نصیحت خیر دارم، من می‌خواهم شما این‌جا بطور دایمی بمانید چراکه هرکس از این میوه بخورد بطور دایم اینجا میماند، توصیه من به شما اینست که حتماً از این میوه نخورید، در نهایت حضرت حوا قبول می‌کند و نزد حضرت آدم (علیه السلام) می‌رود و حضرت آدم (علیه السلام) را

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۵۹

تشویق می‌کند که از آن میوه بخورند. ابتدا حضرت حوا و بعد حضرت آدم (علیه السلام) از میوه درخت ممنوع می‌خورند، به مجردیکه آنرا خوردند پوشاک جنتی شان از تن شان دور شده و بدن شان برهنه می‌شود، این اولین آرزوی شیطان بود که هردو را بی‌ستر ببیند. حضرت آدم و حوا به مجردیکه پوشاک آنها از بدن شان می‌افتد، می‌فهمند که اشتباه بزرگی را مرتکب شدند، علی‌الفور توبه می‌کنند و کلمه که خداوند ﷻ در دل آنها انداخته بود همیشه آنها می‌خواندند و آن این بود «پروردگارا ما به خود ستم کردیم اگر تو بر ما نه بخشی و ترحم نکنی البته می‌باشیم ما از جمله زبان کاران» خداوند ﷻ توبه آنها را قبول می‌کند و برایشان می‌فرماید: من به شما نگفته بودم که شیطان دشمن آشکار شما است، دیگر جای شما اینجا نیست بلکه جای شما در زمین خواهد بود، مدتی آنجا می‌مانید سپس بر حساب دهی حاضر میشوید. بعداً خداوند متعال گفت که پایان شوید بر زمین! همینکه خداوند ﷻ امر کرد که پایان شوید، همان لحظه حضرت آدم و حوا در زمین بودند چراکه در مقابل امر پروردگار هیچ چیزی تعلل کرده نمی‌تواند، هرچیزیکه به امر مستقیم پروردگار صورت گیرد

۶۰ / صلاح الدین سادات

آنی است حتی یک ثانیه هم سپری نمی‌شود مثل پیدائش کائنات با این همه عظمت در صدمین ثانیه شکل گرفته و اما هرچیزیکه توسط ملائیکه‌ها صورت گیرد زمان گیر است، این کلام پروردگار بعضی روایات را رد می‌کند که می‌گویند حضرت آدم و حوا در دوجای افتیدند، بعداً یکدیگر را پیدا کردند، چراکه خداوند متعال هر دو را یکی خطاب نمود، جدا جدا امر نکرده است. وقتیکه حضرت آدم و حوا دیدند که در زمین هستند دیگر آن ناز و نعمت که در جنت برایشان مهیا بود را از دست دادند، اینجا در زمین شاید به مشقت تمام زندگی کرده باشند به هرشکلی که باشد زندگی را ادامه دادند و به همان طور روزها و ماه‌ها سپری میشد و بعد از مدت صاحب فرزند میشوند و در هر حمل فرزندان جفت به دنیا می‌آمد، یک دختر و یک پسر. شریعت آن زمان چنین بود که دختر با پسریکه از یک شکم به دنیا آمده باشد ازدواج جائز نبود و بعد از آنکه پسران و دختران به سن بلوغ میرسند، میان دو پسر یکی هابیل و دیگر قابیل اختلاف پیدا می‌شود، برای اینکه چرا صدقه یکی قبول و از دیگری رد شد و در بعضی روایات اختلاف آنان را بخاطر دختر هم شکم آنان میدانند بر اینکه قابیل میخواست دختر

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۱

هم شکمی خود را بگیرد اما حضرت آدم (علیه السلام) ممانعت میکرد، بالآخره قابل تصمیم می‌گیرد که هابیل را بکشد و چنین هم کرد، این حادثه اولین خون ناحق هست که در دنیا ریختا نده شد.

سالها سپری می‌شود حضرت آدم (علیه السلام) هم از دنیا به دارالبقاء رحلت می‌کند، بعداً سلسله پیامبران آغاز می‌شود. چند پیامبریکه می‌آیند و سپس وفات می‌کنند، شیطان از موقع استفاده کرده به مردم می‌گوید این پیامبران که وفات کردند همه بندگان خاص خدا بودند باید مجسمه ای آن‌ها به قسم وساطت‌گر میان شما و خداوند در خانه های تان قرارداداشته باشد. درهمه خانه ها مجسمه ها قرار می‌گیرد، اول محض بخاطر احترام، سپس با گذشت زمان آن‌ها را خدا معرفی میکرد و به مردم میگفت که گذشتگان تان، اینها را عبادت میکردند شما هم عبادت کنید، به این گونه تمام مردم بت پرست میشدند. بعد خداوند ﷺ پیامبران را فرستاد و آن‌ها به مردم می‌گفتند که اینها چیزی نیستند که لایق عبادت باشند، عبادت خدای واحد را بکنید و ما فرستادگان او ایم. اما آن‌ها می‌گفتند که گذشتگان ما همین ها را عبادت میکردند ما هم همین ها را عبادت میکنیم، ما

۶۲ / صلاح الدین سادات

دیگر خدای را نمی‌شناسیم. اینها به خدایی بت‌ها آنقدر معتقد شده بودند که هر قدر پیامبران وعظ و نصیحت میکردند هیچ اثری بر آنها نداشت حتی بسیاری از پیامبران را شهید میکردند و بسیاری را تبعید و بعضی مشرکین به سبب دعای بد که در حق آنها از سوی پیامبران میشد همگی از بین می‌رفتند، خلاصه خداوند متعال ده‌ها هزار پیامبر را بخاطر هدایت بندگانش فرستاد، کسانی را که خداوند متعال هدایت کرده بود نیک بخت و خوش طالع بودند با ایمان از دنیا می‌رفتند و اما کسانی که بدبخت بودند، خداوند متعال ایمان را برای شان نصیب نکرده بود به همان شرک و بی‌ایمانی از دنیا می‌رفتند.

آن زمان به هر قبیله و به هر قوم از میان خودشان پیامبر می‌فرستاد، ممکن در یک زمان واحد چندین پیامبر در چندین جای دنیا فرستاده شده باشد، تا بعثت پیامبر آخرالزمان. بعد از آن سلسله پیامبران قطع می‌شود.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۳

بعثت پیامبر آخرالزمان

پیش از بعثت پیامبر اکرم ﷺ تمام جهان در جهل و تاریکی به سر می برد مخصوصاً جزیره العرب، از جنگ های خانگی گرفته تا زنده بگور کردن دختران. بت پرستی به اوج خود رسیده بود هر قوم خدای خاص خود را داشت. تنها در خانه کعبه سه صد و شصت بت موجود بود. هر قبیله برای خدای خود نذر می آورد در این وقت حضرت محمد ﷺ بنام امین مشهور بود و اکثر امانات مردم نزد ایشان قرار داشت. زنی بنام خدیجه که قبلاً دو شوهر کرده بود و هردوی آنها وفات کرده بودند و از آنها به خدیجه مال زیادی به ارث رسیده بود که با آن تجارت میکرد وقتی کاروان تجارت مهیا شد، غالباً به تجارت شام می رفت برای سرپرستی کاروان تا هنوز کسی را انتخاب نکرده بود، چون امانت داری محمد ﷺ به گوش او هم رسیده بود. بناءً حضرت خدیجه فکر می کند که اگر محمد ﷺ ریاست این کاروان را بر عهده بگیرد بهتر خواهد شد. بناءً شخص را نزد محمد ﷺ میفرستد و آن شخص به آنحضرت می گوید که من از طرف خدیجه آمده ام و جریان را برای شان بازگو می کند، محمد ﷺ نه جواب رد میدهد و نه هم جواب مثبت، برای آن شخص می گوید

۶۴ / صلاح الدین سادات

که این کار وابسته به کاکایم می باشد اگر او قبول کند من هم قبول میکنم، سپس پیامبر خدا ﷺ نزد کاکایش ابوطالب می رود و جریان را برای او توضیح میدهد، ابوطالب مخالفت نمی کند بلکه راضی می شود، بعد از موافقت کاکای شان، پیامبر خدا ﷺ ریاست کاروان خدیجه را برعهده می گیرد و راهی شام می شود. در این سفر تجارتنی مفادِ هنگفتی برای خدیجه عاید می شود، علاوه بر آن غلام خدیجه بعضی کارهای خارق العاده که از پیامبر ﷺ مثل سایه ابرها بر بالای آنحضرت ﷺ را دیده بود یکا یکا برای خدیجه بیان می کند، چون حضرت خدیجه یک زن زیرک و دانشمند بود بعد از شنیدن این سخنان از سوی غلام خود، نزد ورقه بن نوفل که از نزدیکان حضرت خدیجه بود و او که به کتابهای تورات و انجیل معلومات داشت، رفت و برایش هرآنچه که غلامش گفته بود را به ورقه بن نوفل بیان می کند. ورقه به خدیجه می گوید که اگر این سخنان راست باشد این، پیامبر همین قوم خواهد بود، خدیجه از این خبر بسیار متعجب می شود و فکرش تغییر می کند و می اندیشد که به چه ترتیب او را برای همیشه تصاحب کند. اما این سخن را به کسی گفته نمی تواند چراکه چندین شخص ثروتمند از

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۵

ایشان خواستگاری کرده بود، برای همه جواب رد داده بودند، حالا که کسی را انتخاب می‌کند، ثروتمند نیست و چیزی هم ندارد، شاید هم به طعنهٔ مردم مواجه شود. خلاصه این قصه را به زنی که خواهر خوانده‌اش بود در میان می‌گذارد، آن زن این سخن را نه تنها رد نمی‌کند بلکه انجام آنرا برعهده می‌گیرد و از نزد خدیجه رخصت می‌شود، مستقیم نزد محمد ﷺ می‌رود، پیامبر خدا ﷺ در کلبهٔ که متعلق به مادرش بود و در همان جا زندگی میکرد در آن خانه به جز یک دوشک پشمینه هیچ چیز دیگری وجود نداشت، آن زن داخل می‌شود و به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که ای محمد ﷺ! تا بکی می‌خواهی در این اتاق تک و تنها زندگی کنی، زیبایی مرد به همراه زن است، زن ترا از این تنهایی نجات میدهد، مونس و غمخوارت می‌شود. اگر سخن مرا میشنوی زن بگیر، پیامبر خدا ﷺ به آن زن می‌گوید که بلی هرچیزیکه تو گفتی همه راست است اما زن گرفتن مصارف دارد، بدون پول نمی‌شود زن گرفت. آن زن به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید اگر من زنی را پیدا کنم که تمام خرج و مصارف را بدهد و هیچ نوع زحمتی را بالای تو نیاندازد حضری چنین زنی را بگیری؟ پیامبر خدا ﷺ می‌گوید: بلی!

۱۶۶ / صلاح الدین سادات

چنین زنی پیدا شود حتماً میگیرم. وقتیکه پیامبر خدا ﷺ قبول می‌کند بعداً به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که آن زن حضرت خدیجه است. اینجاست که پیامبر خدا ﷺ پشیمان می‌شود که چرا بدون مشورهٔ کاکایش قبول کرده علی‌الفور نزد ابوطالب می‌رود و برایش می‌گوید که خدیجه، کسی را نزد من فرستاده و میخواهد با من ازدواج کند، نظر شما در این باره چیست؟ ابوطالب بی‌درنگ قبول می‌کند، ترتیبات عروسی را می‌دهند، ورقه بن نوفل عقد نکاح را بسته می‌کند و زندگی پیامبر خدا ﷺ با حضرت خدیجه عاشقانه بود با وجود تفاوت سنی که پیامبر خدا ﷺ ۲۵ سال و خدیجه ۴۰ ساله و به روایتی هم ۴۵ سال داشت بعد از وفات حضرت خدیجه هم پیامبر خدا ﷺ همیشه از ایشان یاد میکردند، حالا دیگر پیامبر خدا ﷺ از طرف خانه کاملاً خاطر جمع شده بود چراکه حضرت خدیجه تمام اموال خود را در اختیار پیامبر خدا ﷺ گذاشته بود. پیامبر خدا ﷺ را یک چیز بسیار آزار میداد که همان روشی اقوام شان بود، می‌دید که آن‌ها چیزی را پرستش می‌کنند که هیچ نوع اختیاری از خود ندارد، همه ساختهٔ دست خودشان است و می‌اندیشید که اینها چطور خدا شده می‌توانند درحالیکه از خود دفاع

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۷

کرده نمی‌توانند، جهان را چگونه خلق کرده می‌توانند. پیامبر خدا ﷺ همیشه در خلقت جهان فکر میکردند. بناءً اکثر اوقات خود را به تنهایی سپری میکردند در رمضان‌ها به غار حراء میرفتند تا که سن شان به چهل سالگی رسید در همین سال در ماه رمضان در غار حراء بودند، کسی به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که بخوان، پیامبر خدا ﷺ در جواب می‌گوید که خواندن بلد نیستم، بار دوم پیامبر خدا ﷺ را در بغل می‌گیرد و می‌فشارد و باز می‌گوید بخوان، پیامبر خدا ﷺ می‌گوید خواندن بلد نیستم، سه بار این سخن تکرار می‌شود و هربار پیامبر خدا ﷺ همان جواب را میدهد که خواندن بلد نیستم، بار چهارم می‌گوید که بخوان بنام پروردگارت آنکه خالق همه چیز است آفرید انسان را از خون بسته بخوان پروردگار تو بسیار کریم است آنکه علم آموخت انسان را بواسطهٔ قلم و آموخت انسان را آنچه نمیدانست. اینجا حضرت جبرئیل (علیه السلام) بصورت آدمی آمده با شد، اما بعداً برای اینکه در دل پیامبر ﷺ کدام شک و شبه‌ای خطور نکند، خود را از فراز آسمان‌ها بصورت اصلی نمایان می‌کند و به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که من جبرئیل (علیه السلام) ام و تو پیامبر این امت هستی، پیامبر خدا ﷺ حضرت جبرئیل (علیه)

۶۸ / صلاح الدین سادات

را دوبار به صورت اصلی دیده اند یکی همین جا یعنی در غار حراء در اولین وحی و یک بار دیگر هم در سدره المنتهی.

پیامبر خدا ﷺ می‌گوید، وقتی بر هر طرف آسمان که نگاه میکردم، حضرت جبرئیل (علیه السلام) را میدیدم، تمام فراز آسمان را پُر کرده بود. این گفته‌های پیامبر خدا ﷺ نشان دهنده آن است که حضرت جبرئیل (علیه السلام) چقدر بزرگ و با عظمت است در حالیکه یک ثانیه نوری از زمین فاصله داشته باشید دیگر زمین را با این بزرگی دیده نمی‌توانید مگر حضرت جبرئیل (علیه السلام) تمام فضا را پُر کرده بود. بناءً پیامبر خدا ﷺ خیلی پریشان می‌شود و علی‌الفور به خانه برمیگردد در حالیکه تمام اندام آنحضرت ﷺ می‌لرزید، به حضرت خدیجه می‌گوید که مرا بیچان مرا چیزی شده و تمام قضیه را به حضرت خدیجه بازگو می‌کند، حضرت خدیجه به پیامبر خدا ﷺ می‌گوید که ترا چیزی نمی‌شود چراکه تو دست خیرداری همیشه دستت بالای یتیمان و فقیران می‌باشد. بناءً هیچ گزندی بر تو نمی‌رسد. این تسلیت حضرت خدیجه باعث می‌شود که پیامبر خدا ﷺ اندکی آرام بگیرد و به بخواب برود. وقتیکه پیامبر خدا ﷺ به

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۶۹

خواب می‌رود علی‌الغور حضرت خدیجه نزد ورقه می‌رود و این گزارش را برای ورقه بیان می‌کند، ورقه بعد از شنیدن این موضوع، به حضرت خدیجه مژده می‌دهد که شوهرت به پیامبری مبعوث شده است.

خداوند متعال اولین وحی خود را برای آنحضرت ﷺ به امر آموختن علم آغاز نمود و این را خاطرنشان نمود که علم از اهمیت خاصی برخوردار است، چنانچه می‌بینید در هر جای که آنجا علم حاکم است به همان اندازه پیش رفت و ترقی وجود دارد در جای که جهل و نادانی حاکم باشد، مردمانش خار و ذلیل اند. علم منحصر به علم دینی نیست تمام علوم را شامل است چه علم دینی باشد و یا هم علم دنیوی، هدف ما تا بعثت پیامبر آخرالزمان بود که ذکر گردید.

۷۰ / صلاح الدین سادات

علاماتِ قیامت

بعثت پیامبر آخرالزمان اولین نشان قُرب قیامت است و دومین نشان قُرب قیامت در زندگی محمد ﷺ شق القمر است. این هردو نشانه قُرب قیامت هستند که صورت گرفته اند اما بقیه علامات و نشانه‌های قیامت بعد از رحلت پیامبر ﷺ پدید می‌آید، همه علامات صغرا به وقوع پیوسته اند اما علایم کُبرا در شرف بوقوع پیوستن اند. یکی از علایم کُبرا اینست که پیامبر ﷺ می‌فرماید: در آخرالزمان وقت میاید که هر آن واقعه که در شرق واقع شود، علی‌الفور آنرا غربی‌ها می‌بینند، ویا هم هر واقعه‌ای درغرب واقع شود شرقی‌ها می‌بینند. این علامت را حالا توسط انترنت یا تلویزیون به چشم سر می‌بینیم، و دومین نشان کُبراء قُرب قیامت برآمدن مسیح‌الدجال است. دجال به معنی فتنه‌گر هرچیزیکه مبنای آن برخلاف شریعت باشد اذهان مردم را تخریب سازد و سبب ضعف ایمان شود، به دجال شامل است چراکه چندین حدیث به صیغه جمع ذکر شده است یعنی «دجالون» معنی دجال‌ها را میدهد اما یکی از این دجال‌ها بسیار خطرناک و همه‌گیر است و نام آن مسیح‌الدجال می‌باشد. مسیح‌الدجال چندین علائیم دارد،

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۷۱

اولین علامت آن یک چشم بودن آن است و دومین نشان آن زنده کردن مرده هاست. بناءً نام آنرا مسیح گذاشته اند و سومین نشان آن بودن همه چیز در ذخیره‌گاه آن است، تمام چیزیکه در جهان باشد می‌توانید در ذخیره‌گاه آن پیدا کنید چه بد باشد و چه نیک حتی در داخل ذخیره‌گاه آن جنت و دوزخ نیز می‌باشد. چهارمین نشان آن این است که هیچ خانه نیست که دجال داخل نشود، پنجمین نشان آن این است که به داخل شدن خانه از هیچ کس اجازه نمی‌گیرد ولو که شاه باشد یا گدا، ناخواسته داخل می‌شود که حتی صاحب خانه ناراض باشد. دیگر علائمش این است که کوه از آب و غذا دارد، منظور از کوه غذا یعنی پول فراوان است.

افراد مسیح الدجال متشکل از زنان و پولداران می‌باشند ، بعضی علماء اسلام از مسیح‌الدجال انترنت را گرفته اند، می‌گویند تمام علائیم ذکر شده به انترنت صدق می‌کند. مثلاً اولین نشان آن یک چشم بودن آن است که انترنت هم آئینه دید آن، یک صفحه دارد که نشان یک چشم بودن آن است. انترنت را هم تا بدست لمس نکنی زنده نمی‌شود، سومین نشان آن هم همه چیزبودن در ذخیره‌گاه آن است

۷۲ / صلاح الدین سادات

که در ذخیره‌گاه اینترنت هم همه چیز دنیا موجود است حتی جنت و دوزخ منظور از جنت و دوزخ چیزهای خوب و خراب می باشد اگر میخواهید چیزی خوب را ببینید می‌توانید قرآن تلاوت کنید، می‌توانید تفسیر قرآن را مطالعه کنید، می‌توانید احادیث پیامبر را بخوانید، خلاصه تمام خوبی های دنیا را دارد اما چیزهای بد به هیچ کس پوشیده نیست که تمام فحاشی دنیا در آن موجود است، علاوه بر آن بسیار شبکه های شیطانی است که بطور مداوم به تخریب عقیده مسلمانها فعالیت می‌کنند. بناءً خوب آن جنت است و بد آن دوزخ می باشد. چهارمین نشان آن این بود که هیچ خانه‌ای نیست که دجال داخل نشود، حالا کدام خانه‌ای است که بدون اینترنت باشد، مگر اینکه آن خانه نان خوردن نداشته باشد و مجبور باشد. پنجمین نشان آن داخل شدن به خانه ها بدون اجازه است، حالا به داخل شدن نه اجازه گرفته و نه هم بزور داخل شده است، بلکه خودمان خریده به خانه آورده ایم. دیگر علائمش کوه از آب و غذا است که منظور پول فراوان می باشد حالا شبکه های اینترنتی به کسان تعلق دارد که پول دارترین مردمان جهان می باشند،؟ و دیگر علائمش این است که افراد آن

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۷۳

متشکل از زنان و مردمان پولدار میباشند. در این شکی نیست که تمام فحاشی توسط زنان و افراد پولدار صورت می‌گیرد و هم بدون پول نمی‌شود که عضو آن باشید. بناءً به عقیده این علماء دجال آمده است، اگر این را صحت بگیریم منتظر آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) باشیم چراکه گُشنده دجال، حضرت عیسی (علیه السلام) می باشد. وقتیکه حضرت عیسی (علیه السلام) بیاید، انترنت خود بخود قطع می‌شود. همه چیز ماشینی دنیا خاموش می‌شود. پیامبر ﷺ از فتنه مسیح‌الدجال به خداوند ﷻ پناه برده است. اگر این دجال نباشد، کمتر از دجال هم نیست چراکه همه را مشغول خود ساخته چه صغیر باشد یا کبیر، چه عالم باشد و چه جاهل، چه زن باشد و چه مرد همه وابسته‌ی آن شده اند.

۷۴ / صلاح الدین سادات

بعثت حضرت عیسیٰ (علیه السلام) تا نزول آن بر زمین

یکی از علانییم گُبرا قیامت، نزول حضرت عیسیٰ (علیه السلام) به زمین است. حضرت عیسیٰ (علیه السلام) ۲۰۲۵ سال قبل از یک دختر باکره به اسم مریم در بیت اللحن زیر درخت خرما، بدون پدر به دنیا آمده است، چون حضرت جبرئیل (علیه السلام) مریم را زیر آن درخت راه نمایی کرده و برایش گفته بود زیر این درخت می‌مانی و هرگاه گرسنه شدی، آنرا تکان بده، از آن خرما می‌ریزد، از آن بخور و از زیر درخت چشمه جاری می‌شود از آب آن بنوش چون وقت زایمان فرا رسید. حضرت مریم با خود میگفت کاش سالها پیش می‌مردم که از اذهان مردم فراموش میشدم تا کسی مرا یاد نمی‌کرد.

با وجودیکه میدانست همه کار از طرف پرودگار است اما طبیعتاً در دل حضرت مریم سخنانی خطور میکرد که فردا نزد مردم این کودک را ببرم به آنها چه بگویم. خلاصه بعد از زایمان حضرت جبرئیل (علیه السلام) نزد حضرت مریم می‌آید و برایش می‌گوید که چند روز بعد به بیت المقدس میروی و در همان جای که حضرت زکریا (علیه السلام) برایت عبادت‌گاه ساخته بود، به آنجا میروی، وقتیکه به بیت المقدس رسیدی مردم از تو سوال بکنند که این طفل را از کجا آوردی؟ جواب

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۷۵

نمی گویی و اشاره میکنی که من روزه دارم و با کسی صحبت نمیکنم و به طرف کودک اشاره میکنی که از همین کودک سوال کنید به همان روز یکه حضرت جبرئیل (علیه السلام) تعیین کرده بود به طرف بیت المقدس حرکت می کند و قنیکه به بیت المقدس میرسد همه مردم اطرافش را میگیرند، مخصوصاً علمای یهود که در بیت المقدس بودند هرکس هرچیزی میگفتند، چند نفر از علماء یهود به نمایندگی از دیگران از حضرت مریم می پرسد، ای خواهرِ هارون! پدرت آدمی بدی نبود، مادرت هم زنی خدا ترس و عابده بود، چطور شد که تو مرتکب چنین گناه بزرگی شدی و این طفل نامشروع را از کجا آوردی؟ حضرت مریم به سوی طفل اشاره میکرد که از این طفل سوال کنید و به اشاره میگفت که من روزه دارم. همه نمایندگان فریاد کشیدند، بجای اینکه عذر و معذرت خود را پیش کنی به ما تمسخر هم میکنی، کدام طفل در گهواره سخن گفته که این بگوید؟ در این وقت است که طفل به صدای بلند می گوید: «من بندهٔ خدایم، فرستادهٔ اویم، داده می شود به من کتاب آسمانی که انجیل است، مامور شده ام که نماز بخوانم و روزه بگیرم و زکات بدهم و به مادرم نیکی کنم

۷۶ / صلاح الدین سادات

چون همگی این حالت را می‌بینند همه می‌دانند که به جز از معجزهٔ پیامبری چیزی دیگری نیست، بعد از آن هیچکس لب به طعن نگشودند. حضرت مریم همراه با فرزندش در همان عبادت‌گاه که حضرت زکریا برایش ساخته بود به عبادت خدا ﷻ مشغول می‌شود، روزها و سال‌ها سپری می‌شود، زمانیکه حضرت عیسی (علیه السلام) به سن بلوغ می‌رسد از طرف خداوند ﷻ رسماً به پیامبری مبعوث می‌شود و برای مردم شروع میکند به تبلیغ کردن احکام الهی، به شریعت جدید، حضرت عیسی (علیه السلام)، چند نفر مخلص بنام حواریون داشت که مجموعاً ۱۲ نفر بودند، در همه جا حضرت عیسی (علیه السلام) را کمک میکردند.

تبلیغ حضرت عیسی (علیه السلام) گاه علنی و گاه بطور مخفی ادامه داشت، بسیار مردم با این دین جدید می‌پیوستند، حضرت عیسی (علیه السلام) مشهورترین پیامبران بعد از پیامبر اسلام میباشد با معجزه‌های بسیار مشهود مثل زنده کردن مرده‌ها، شفا دادن مریضان، این کار حضرت عیسی (علیه السلام) به یهودیان سخت تمام میشود. یهودیان فکر میکردند که بدین ترتیب، حضرت عیسی (علیه السلام) پیش برود، دین ما از بین خواهد رفت. بناءً برعلیه حضرت عیسی (علیه السلام) توطئه

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۷۷

چینی می‌کنند، نزد امپراطور وقت میروند و می‌گویند که کسی پیدا شده دعوی پادشاهی می‌کند و بر علیه امپراطور، مردم را تحریک می‌کند. پادشاه هم حکم بر صلیب کشیدن حضرت عیسی (علیه السلام) را صادر می‌کند، مگر افراد امپراطور و یهودیان نمی‌دانستند که حضرت عیسی (علیه السلام) در کجا است، چون قبلاً به حضرت عیسی (علیه السلام) خبر داده بودند که سربازان در پی دستگیری آن‌ها است. بناءً حضرت عیسی (علیه السلام) در پناه‌گاه به سر می‌برد. مخفی‌گاه حضرت عیسی (علیه السلام) را به جز حواریون کسی دیگر نمی‌دانست و یهودیان هم برای کسی که مخفی‌گاه حضرت عیسی (علیه السلام) را نشان دهد، پول هنگفتی وعده داده بود، اینجاست که یکی از حواریون دست به خیانت زده و حاضر می‌شود که در مقابل پول مخفی‌گاه حضرت عیسی (علیه السلام) را به یهودیان نشان دهد. این شخص همراه با یهودیان و سربازان میروند به دستگیری حضرت عیسی (علیه السلام) هنگامیکه داخل مخفی‌گاه میشوند، حضرت جبرئیل (علیه السلام)، حضرت عیسی (علیه السلام) را از آنجا با خود می‌برد و خداوند متعال چهره همان مخبر را مشابه به چهره حضرت عیسی (علیه السلام) می‌گرداند. سربازان وی را به عوض حضرت عیسی (علیه السلام)

۷۸ / صلاح الدین سادات

دستگیر می‌کنند، آن شخص هر قدر که فریاد میزند و می‌گوید که من رفیق شما هستم، عیسی نیستم اما آن‌ها می‌گفتند چرا داد می‌زنی، اینقدر مردم را زنده می‌کردی اما خود را زنده کرده نمی‌توانی، خلاصه هر چه داد میزد کسی صدایش را گوش نمی‌کرد تا اینکه به صلیب کشیده شد، بعد از به صلیب کشیده شدن وی، میان همان افراد اختلاف پیدا شد، اگر این شخص عیسی (علیه السلام) باشد پس رفیق مان چه شد؟ و اگر این شخص رفیق مان باشد پس حضرت عیسی (علیه السلام) کجا شد. بناءً به شک و تردید باقی ماندند.

حضرت عیسی (علیه السلام) زنده است و روزی به زمین خواهد آمد، آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) وقتی است که اختلاف شدید مذهبی میان مسلمانان شدت می‌گیرد، مسلمانان هر مذهب فقط خود را مسلمان و غیر مذهب خود را کافر میدانند برای اینکه از مذهب آن نیست، کشته میشوند. علماء آن زمان بدترین مردمان روی زمین می‌باشند نه حلال را حلال و نه هم حرام را حرام می‌دانند، عمل کرد مسلمانان به اندازه‌ی خشن می‌شود که در هر جای از دنیا مسلمانان مورد توهین و تحقیر قرار می‌گیرند. پیامبر اکرم ﷺ مهربانی می‌کند با وجود کثرت نفوس تان آنقدر خار و ذیل

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۷۹

میشوید که به اندازه خس و خاشاک ارزش نمی‌داشته باشید. وقتی که علت را پرسیدند، گفتند از بی ایمانی تان. در چنین وقت است که حضرت عیسی به زمین فرود می‌آید فرود آمدن حضرت عیسی را تمام جهانیان می‌دانند هیچ کس شک نمی‌کند همه متیقن می‌شود بخاطریکه حضرت عیسی (علیه السلام) توسط تکنالوژی پیشرفته به دنیا می‌آید که تمام تکنالوژی وقت از کار می‌افتد، همه چیز غیرفعال میشوند، قسمیکه قبلاً گفته شد که کشنده دجال، حضرت عیسی (علیه السلام) است.

بعضی از علماء انترنت را مسیح‌الدجال می‌دانستند، با ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) انترنت هم خاموش می‌شود.. همه تکنالوژی وقت به انترنت وصل است وقتی که انترنت خاموش شد همه چیز خاموش می‌شود، بعد از اینکه حضرت عیسی (علیه السلام) بر زمین فرود آمد از خود شریعت جدید نمی‌آورد بلکه به شریعت حضرت محمد ﷺ عمل می‌کند، ظهور حضرت عیسی هم‌زمان با ظهور امام مهدی می‌باشد. ظهور امام مهدی را هم اهل تسنن و هم اهل تشیع تأیید می‌کند، مگر در قرآن کریم ذکر نشده منتها وی نیز از خود

۸۰ / صلاح الدین سادات

کدام قانون منحصر به فرد ندارد، او یاور حضرت عیسی (علیه السلام) می باشد.

پیش از ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) چند واقعه در جهان رخ میدهد، یکی دجال است، اگر گفته‌های بعضی علماء که گویا انترنت مسیح‌الدجال است، صحیح باشد؟ پس آنهم ظاهر شده است. دوم دابت الارض است، دابت الارض در قرآن کریم نیز ثابت است اما در باره جزئیات آن زیاد بحث نشده است، غالباً آنهم ساخته دست بشر باشد مثل هوش مصنوعی، چراکه خداوند ﷻ آنرا جنبنده در روی زمین گفته است، صاحب روح ذکر نکرده است. چرا که هوش مصنوعی هم مثل انسان‌ها تمام کار را می‌کند. با این حال اگر کشورها به رقابت یک دیگر به ساختن آن بپردازند و در تمام مسایل آن را دخیل سازند، آهسته آهسته تمام اختیارات را به آنها واگذار کنند در آن وقت است که تمام بشریت به خطر جدی مواجه خواهد شد، چراکه آنها به مراتب هوشمندتر از انسان‌ها می باشد. این دو علائیم یعنی دجال و دابت الارض پیش از ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) واقع می‌شود.

واقعه سوم برآمدن یاجوج و ماجوج است که در اوایل

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۸۱

سال‌های که حضرت عیسیٰ (علیه السلام) به زمین فرود می‌آید، ظهور می‌کند. او خطرناک‌ترین چیزی است که انسان‌ها به آن روبرو میشوند، تعداد شان نامحدود و بی اندازه است، آن‌ها تا روزیکه خداوند ﷻ بخواهد در سدسکندر محبوس اند، وقتیکه ارادهٔ خداوند ﷻ شود که آن‌ها از حبس رها شوند همان وقت است که سد باز مشود. آن‌ها بیرون میشوند و هرآن چیزیکه از پیش روی شان برآید را نابود می‌کنند به هیچ کس و به هیچ چیزی رحم نمی‌کنند، تمام دنیا را می‌گردند، بعداً حضرت عیسیٰ (علیه السلام) را تعقیب می‌کنند. آن‌عه از مردم که به همراه حضرت عیسیٰ (علیه السلام) هستند به طرف بیت المقدس می‌روند، یاجوج و ماجوج هم به تعقیب آن‌ها به بیت المقدس می‌روند. یاجوج و ماجوج به مکه و مدینه داخل شده نمی‌توانند. بعداً حضرت عیسیٰ (علیه السلام) به پروردگار دعا می‌کند که از شر یاجوج و ماجوج رهایی پیدا کند و خداوند متعال دعای حضرت عیسیٰ (علیه السلام) را اجابت می‌کند همهٔ آن‌ها یک شبه بنا به مرض همه‌گیر مثل (وبا) از بین می‌روند و تعفن اجساد آن‌ها همه‌جا را فرا می‌گیرد، حتی گشت و گذار ناممکن می‌شود، باز هم به دعای حضرت عیسیٰ (علیه السلام) پرنده‌های عظیم الجسه پیدا میشوند و تمام

۸۲ / صلاح الدین سادات

اجساد آن‌ها را دور از انظار مردم می‌اندازند و بعد از نابودی آن‌ها همه از مصیبت خلاص میشوند، همه جا مملو از خوشی و خوشحالی می‌شود کسی به کسی ظلم نمی‌کند هیچ کس به دارای کسی تعدی نمی‌کند چون همه سیر هستند بخاطریکه نفوس جهان به حداقل میرسد، شخص زکات گیر به کلی یافت نمی‌شود، همه باقی ماندهٔ انسان‌های روی زمین به حضرت عیسی (علیه السلام) بیعت می‌کنند، حضرت عیسی (علیه السلام) چهل سال زندگی نموده و بعد از چهل سال وفات می‌کند. چون قبرشان از همین حالا در پهلوی مرقد حضرت محمد ﷺ در مدینه منوره نگهداری شده است و در همان قبر دفن میشوند. بعد از درگذشت حضرت عیسی (علیه السلام) عقیدهٔ مردم رو به خرابی می‌رود هر روزیکه سپری می‌شود بد و بدتر می‌شود، به گذشت اندک زمان فحشاء به اوج خود می‌رسد، زنا بطور علنی در کنار جاده‌ها صورت می‌گیرد، هیچ کس ممانعت نمی‌کند با ایمان ترین شخص آن زمان کسی است که زناکار را در کنار جاده عمومی می‌بیند و برایش می‌گوید اگر این کار را دورتر از اینجا بکنی، آنجا خلوت تر است، گویا این شخص با ایمان ترین شخص همان زمان می‌باشد. آهسته آهسته نه

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۸۳

نماز خوانی باقی می ماند و نه هم اداء کننده ارکان دیگر. بی خدایی به حدی می رسد که حتی در تمام جهان یک بار نام الله ﷻ گرفته نمی شود. باقی میماند خانه کعبه به احترام خانه کعبه قیامت برپا نمیشود.

در همان زمان یمنی ها بالای عربستان سعودی حمله می کنند، عربستان را می گیرند، بعد از تسخیر عربستان، خانه کعبه را خراب می کنند، پیامبر اکرم ﷺ می گوید، شخصی که خانه کعبه را ویران می کند، همین حالا می بینم، کسی است که سیاه پوست است ساقهای باریک باریک دارد .

آخرین نشان قیامت طلوع آفتاب از مغرب است بعد از این واقعه، دروازه توبه بسته می شود، حالا دیگر هر لحظه امکان دارد قیامت برپا شود. واقعه قیامت توسط صور اسرافیل آغاز می شود.

۸۴ / صلاح الدین سادات

صوَرِ اَوَّلِ اسْرَافِیلِ

با وجود این همه علائیم مردم به حالت نورمال زندگی می‌کنند، چرا که در وقت وقوع قیامت بعضی‌ها در خواب و بعضی‌ها در بازی کردن و بعضی‌ها در فعالیت روزمره‌شان مشغول اند، چنانچه در سوره یاسین آیت (۴۹) چنین می‌فرماید: «مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ». ترجمه: انتظار نمی‌برند مگر یک آواز سخت را که بیگیرد ایشان را در حالیکه ایشان در معاملات شان خصومت دارند، این اولین صوَرِ اسرافیل است، بعداً در آیت (۵۰) همان سوره می‌فرماید: پس نمی‌توانید هیچ توصیه و نه طرف خانه رفته می‌توانید. بعد از این آواز هیچ کس نمی‌تواند از جای خود تکان بخورد نه طرف خانه رفته می‌تواند و نه هم در فکر فامیلش است، بلکه وحشت تمام جا را فرا می‌گیرد، همه درغم خود و در عین حال همه طرف بی‌هوشی می‌روند بخاطریکه صدا هرلحظه خشن و خشن تر می‌شود، صدا به حدی می‌رسد که هرآن کسی که در زمین باشد و یا هم در آسمان‌ها همه بی‌هوش می‌شوند مگر کسی را که خداوند ﷻ بخواد آن مستثنی می‌باشد. چنانچه خداوند متعال در سوره نمل آیت (۸۷) چنین

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۸۵

می‌فرماید: «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ». ترجمه: روزیکه دمیده شود در صور پس بی‌هوش شود کسیکه در آسمان‌ها است و کسی که در زمین است مگر کسی را که خدا ﷻ بخواهد.

در آغاز صدا نه تنها باشندگان زمین را بلکه خود زمین هم که وقتی صدا را بشنود چنان تکان می‌خورد که همه باشندگان آن به حیرت می‌روند، این لرزه به قسم زمین لرزه امروزی نیست چراکه زمین لرزه امروزی تنها یک قسمتی از زمین را می‌لرزاند و قسمتی دیگر آن آرام است، چون این لرزه به اثر تصادم آتش داخل زمین به وجود می‌آید، اما آن لرزه بخاطر شنیدن صدای صور اسرافیل به وجود می‌آید. بناءً تمام بدنه زمین می‌لرزد، هم‌چنان آسمان‌ها که تا حال زمین را از تمام بلاهای آسمانی محافظت می‌کرد، خود تکه تکه می‌شود. چنانچه خداوند متعال در سوره الطور ایت (۹) چنین می‌فرماید: روزیکه بلرزد آسمان به لرزه آمده. خداوند ﷻ این واقعه را زلزله روز قیامت نامیده است، این صدا مخصوص به زمین نیست بلکه تمام کهکشان راه شیری را فرا می‌گیرد، در هر جای از این کهکشان باشید، فکر می‌کنید که صدا از همین نزدیکی بلند می‌شود. چنانچه

۸۶ / صلاح الدین سادات

خداوند ﷻ در سوره ق آیت (۴۱) می‌فرماید: بشنو روزیکه آواز دهد آواز دهنده از مکان قریب. این واقعه قیامت تنها در زمین است یا در کل کهکشان راه شیری و یا در کل عالم است؟! از قرار که خداوند ﷻ در سوره نمل آیت (۸۷) تذکر داده است که هرآن چیزیکه در آسمان‌ها است و هرچیزیکه در زمین باشد از کار می‌افتد، اگر منظور از آسمان‌ها همین هفت طبقه آسمان که دور زمین، دور منظومه شمسی و دور کهکشان ساخته شده است، باشد، در این صورت واقعه قیامت منحصر به همین کهکشان می‌باشد چراکه خداوند متعال فرمود: هر آن چیزی که در زمین است و هرآن چیزیکه در آسمان‌ها است، آسمان هفتم هم تمام کهکشان راه شیری را تحت پوشش خود دارد، چنانچه خداوند ﷻ در سوره ملک می‌فرماید: به تحقیق زینت دادیم آسمان دنیا را به ستاره‌ها، دنیا همان کل کهکشان را گویند. (والله اعلم) اگر واقعه قیامت منحصر به کهکشان راه شیری باشد این بدان معنی نیست که دیگر کهکشان‌ها همیشه باقی خواهند ماند، بلکه آن‌ها هم روز فنا می‌شوند. اگر واقعه قیامت در تمام کائنات می‌بود خداوند ﷻ آنرا یک واقعه عالمی ذکر میکرد، اینجا منحصر به آسمان‌ها ذکر

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۸۷

کرده، چراکه خداوند متعال همه کائنات را به نام عالم یاد کرده، چنانچه در سوره جاثیه آیت (۳۶) چنین می‌فرماید: «فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ الْعَالَمِينَ». ترجمه: پس مرالله راست حمدیکه پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار عالم‌ها است، چراکه خداوند متعال آسمان‌ها را جدا ذکر نمود و عالم‌ها را جدا، اگر عالم داخل آسمان‌ها می‌بود نیاز به تکرار عالم نبود، معلوم است که عالم‌های بیرون آسمان، داخل آسمان نمی‌باشند.

هم‌چنان در سوره الاحقاف آیت (۳) می‌فرماید: «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى». ترجمه: نیافریدیم آسمان‌ها و زمین را و آنچه در مابین آن‌ها است مگر به حکمت، تا یک وقت معین. اینجا هم وقت معین را به آسمان‌ها و آن چیزیکه داخل آسمان‌ها است، عبارت از ستاره‌ها و سیاره‌ها منحصر کرد، کل عالم را ذکر نکرد. بناءً غالباً همین است که قیامت در همین کهکشان که ما زندگی میکنیم برپا شود. صدای صور اسرافیل آنقدر مهیب است که هیچ چیز تاب مقاومت آنرا ندارد. بناءً تمام ستاره‌ها و سیاره‌ها فعالیت خود را از دست میدهند. وقتیکه سیاره‌ها فعالیت خود را از دست دادند، خورشید تمام

۸۸ / صلاح الدین سادات

سیارات خود را به خود جذب کرده و در بدنه خود خود می آورد، چنانچه خداوند ﷻ در سوره القیامت، آیت (۹) چنین می فرماید: «وَجَمَعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ». ترجمه: جمع می شود آفتاب و ماه، ماه عبارت از سیاره ها میباشد، همه یکجا جمع میشوند به استثنای زمین اما زمین بر حالت خود باقی می ماند چون زمین در دست قدرت پروردگار از تمام بلاها محفوظ است. چنانچه در سوره زمر آیت (۶۷) چنین می فرماید: «وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». ترجمه: زمین همه در مشت او است روز قیامت یعنی می گوید زمین کاملاً بدون کم و کاست صحت و سالم در کف دست پروردگار می باشد، چون همه ی این تحولات بخاطر زمین است، چون همه محاسبه شدنی ها داخل زمین می باشند. بناءً زمین را از تمام نابودی که توسط صور اسرافیل به وجود آمده بود، نگه داشت. خورشید تا آندم تمام فعالیت خود را از دست نداده بود اما بعداً خورشید هم آهسته آهسته فعالیت خود را از دست میدهد، نور آن از بین می رود مثل فنیر سفیدی دارد اما نور ندارد تمام ستاره ها همین طور می شوند اما زمین چنین نیست بعضی تغییرات به زمین هم می آید مثلاً زمین ، دور خود میچرخد که از آن روز شب به

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۸۹

وجود می‌آمد دیگر نمی چرخد. دور خورشید می‌چرخید که سال تولید شود دیگر نمی چرخد. تا حالا کروی شکل بود از آن تغییر میکند به مسطح بودن . کوه‌ها هم چنان بالای یک دیگر کوبیده می‌شوند، مثل ریگ نرم و هموار می‌شود. این واقعه را در چندین جای از قرآن ذکر می‌کند، مثلاً در سوره القارعه، آیت (۵) می‌فرماید: «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ». ترجمه: می‌باشد کوه‌ها مثل پشمی ندافی شده، همچنان در سوره الواقعة، آیت (۵) چنین می‌فرماید: «وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا». ترجمه: پس میشوند غبار پراکنده یعنی بناء به اثر کو بیدن بالای یگد یگر چنان چنگ و غبار در هوا پراکنده میشود مثلیکه دود از آتش بالا می‌شود، هم‌چنان در سوره انشقاق آیت (۳) می‌فرماید: «وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ». ترجمه: و چون زمین هموار کرده شود. خلاصه چنین آیات در قرآن زیاد آمده است.

همه گواه آن است که کوه‌ها مثل ریگ میده شده کاملاً مثل کف دست هموار می‌گردد، همچنین زمین تمام چیز ثقیل خود را که در هسته‌ی خود نگاه کرده بود عبارت از میلیاردها تن آهن و میلیارها تن طلا و نقره و دیگر چیزهای گران که با خود جذب کرده بود همه را بیرون میکند

۹۰ / صلاح الدین سادات

، وقتیکه انسان این همه طلا و دیگر چیزی قیمتی را می بیند با خود میگوید چه شده اینها چه قدر بی ارزش بوده وای بر ما که بخاطر این خود را هلاک کردیم حالا دیگر پشیمانی سودی ندارد، فاصله بین صور اول و صور دوم در بعضی روایات تا چهل سال را گرفته اند، ممکن تا صدها سال دوام داشته باشد چراکه این شروع پنجاه هزار سال روز قیامت است. چه مدت که خدا بخواهد دوام می کند بعداً صور دوم دمیده می شود.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۹۱

دمیدنِ صورِ دوم

صدای صورِ دوم صدای زنده کردن است. چنانچه خداوند متعال در سوره ق آیت (۴۲) چنین می‌فرماید: «يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ». ترجمه: روزیکه بشنود آواز محقق را آنروز، روز برآمدن از قبرهاست، هم‌چنان در سوره الزمر آیت (۶۸) چنین می‌فرماید: «ثُمَّ تُفِخُ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ». ترجمه: وقتیکه دمیده شود در صور بار دیگر پس ناگهان برآیند از قبرها در حالیکه ایستاده اند به هرطرف می‌نگرند، وقتیکه صور دوم را شنیدند ناگهان از قبرها بالا می‌شوند درحالیکه ایستاده اند به هرطرف می‌نگرند حیران می‌مانند که چه واقعه پیش آمده است، ما که مرده بودیم چگونه دو باره زنده شدیم. بناءً مات و مبهوت می‌مانند، هم‌چنان در سوره ق، آیت (۲۱) چنین می‌فرماید: «وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ». ترجمه: و بیاید برای هر نفر دو فرشته یکی راننده و دیگر گواهی دهنده هرآئینه بودی در بی‌خبری از این روز پس برداشتیم از تو پرده غفلتِ ترا، پس چشم تو امروز تیز است. به مجردیکه مرده‌ها از قبر برآیند دو فرشته به استقبال‌شان می‌آید اگر آن شخص مرد صالح و یا زن

۹۲ / صلاح الدین سادات

صالحه باشد مثل یک مهمان برخورد می‌شود، برایش می‌گویند که قیامت برپا شده است و ما ترا به طرف محشرگاه می‌بریم، غمگین مشو، اما اگر از منکرین باشد برایش می‌گویند چه شده به هرطرف نگاه می‌کنی پریشان هستی حالا چشمت را خوب باز کن خوب اطرافت را تماشا کن، از این روز کاملاً بی‌خبر بودی حتی باور نمی‌کردی، منکر خدا و رسول بودی به اخبار پیامبران تمسخر می‌کردی، در اولین ملاقات به ملائیکه‌ها با چنین طعنه‌ها روبرو می‌شوند، هرسخن که ملائیکه‌ها به آن شخص می‌گویند به حسرت وندامت آن شخص افزوده می‌شود. به طرف محشرگاه سوق داده می‌شود، هم‌چنان در سوره یاسین آیت (۵۱-۵۲) چنین می‌فرماید: وقتیکه دمیده شود در صور پس ناگهان برآیند ایشان از قبرها از (خوابگاه) شان برای شان گفته می‌شود این است آنچه وعده کرده بود رحمن و راست گفته بودند پیامبران. هم‌چنان در سوره قمر از آیت (۶-۷) چنین می‌فرماید: روزیکه دعوت کند دعوت کننده بسوی چیزی ناگوار در حالیکه دلیل باشد چشم‌های شان برآیند از قبرها گویا ایشان ملخ‌های پراکنده اند، می‌گویند منکرین این روز است سخت، خلاصه این روز

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۹۳

برای منکرین خدا بی نهایت سخت و پریشان کننده خواهد بود، پس اولین و آخرین از قبرها بالا میشوند، همه توسط ملائکه‌ها بطرف محشرگاه سوق داده می‌شوند. شاید زمین را در سدره المنتهی برده باشند چراکه در قرآن کریم ذکر می‌شود، جنت در نزدیکی سدره المنتهی قرار دارد، هم‌چنان محل تجمع ملائکه‌ها هم می‌باشد زمین را در جای قرار میدهند که هم جنت نمایان است و هم دوزخ، همه و همه توسط ملائکه‌ها در محشرگاه جمع می‌شوند، اینک وقت آمدن پروردگار می‌باشد، خداوند متعال با انبوه از ملائیک با چنان عظمت و شأن و شوکت که شائسته شأن خدا است، با چنان هیبت که ترلیون‌ها ملائیک در اطراف عرش صف کشیده اند، هشت ملائیک که هرکدام شاید از جهان ما بزرگتر باشد، عرش را حمل می‌کنند روبروی زمین قرار می‌گیرند در این حالت هیچ کس جرئت حرف زدن با پروردگار را ندارد حتی ملائیک‌ها و پیامبران مگر اینکه خداوند متعال اجازه سخن گفتن را بدهد. این واقعه را خداوند ﷻ در سوره الفجر از آیت (۲۱-۲۲) چنین می‌فرماید: وقتیکه پست کرده شود بلندی زمین پست کردنی و بیاید پروردگار تو و بیایند فرشتگان صف صف، این

۹۴ / صلاح الدین سادات

ملائیکه‌ها غیر آن ملائیکه‌های هستند که برای هر فرد دو ملائیک را هنما مقرر شده بود.

اولین حکمی پروردگار به تمام آنانیکه در محشرگاه هستند چه مؤمن باشد و چه غیرمؤمن، امر می‌شود که به پروردگار سجده کنند، آنانیکه نیک بخت و خوش طالع بودند و از دنیا با ایمان رفته بودند به سجده می‌روند اما آنانیکه به خدا ایمان نداشتند، نمی‌توانند سجده کنند، دل شان می‌خواهد که سجده کنند اما نمی‌توانند خود را خم کنند. بناءً به همان حالت قیام باقی می‌مانند، بعداً ملائیکه‌ها تمام آن کسانیکه به حالت قیام باقی مانده بودند را به حقارت تمام از موی سرشان و از پایشان گرفته به یک طرف محشرگاه جمع می‌کنند که آن طرف تاریکی مطلق است. این واقعه را خداوند متعال در سوره القلم آیت (۴۲) چنین می‌فرماید: «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ». ترجمه: روزیکه نمایان کرده شود از پا چه خوانده شوند به سجده کردن پس نتوانند سجده کردن، خداوند ﷻ ساق‌های بلاکیف خود را نمایان می‌کند بعداً امر می‌کند که به پروردگار تان سجده کنید، کسی که ساق‌های نمایان شده را، دیده بتواند سجده هم کرده می‌تواند اما اگر دیده نتواند،

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۹۵

سجده هم کرده نمی‌تواند چون پروردگار از دید کفار و منافقین در حجاب است. هم‌چنان در سوره الرحمن آیت (۴۱) چنین می‌فرماید: شناخته می‌شوند گناه‌کاران از قیافهٔ شان پس گرفته می‌شوند از موی پیشانی و از پای شان، شناخته شدن از قیافه همین است که به حالت قیام می‌مانند پس شناخته می‌شوند که این‌ها مجرمین هستند، آنطرف که مجرمین را برده بودند، آنطرف کاملاً تاریک است اما آن طرف محشر که مؤمنین هستند آنطرف کاملاً روشن می‌باشد، این روشنی نه به روشنی خورشید روشن است و نه هم به روشنی مهتاب بلکه به روشنی نور پروردگار روشن می‌باشد. چنانچه خداوند متعال در سوره الزمر آیت (۶۹) چنین می‌فرماید: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا». ترجمه: روشن شود زمین به نور پروردگارش، آنانیکه در تاریکی هستند علاوه بر تاریکی چنان در عذاب روحی و جسمی گرفتار هستند که حتی در دوزخ احساس راحتی خواهند کرد، چنانچه خداوند متعال در سوره الفجر آیت (۲۴-۲۶) چنین می‌فرماید: گویند کافران چیزی پیش فرستادمی در زندگی خویش پس امروز عذاب نکند مانند عذاب او هیچکس و نه مقید سازد مانند مقید ساختن او هیچ کس،

۹۶ / صلاح الدین سادات

آن‌ها می‌بینند که هر آن چیزیکه خداوند ﷻ در دنیا توسط پیامبران گفته شده بود همه راست بوده است و دیگر چانس بازگشت هم ندارند، بسیار مأیوس می‌شوند اما آنانیکه زیر نور پروردگار هستند با وجودیکه میدان محشر یک میدان وحشت است، لکن به آن‌ها گل و گلزار، نمایان می‌شود چراکه آن‌ها جمال پروردگار شانرا تماشا کرده اند، به محض دیدن جمال پروردگار تمام غم و اندوه از یاد شان فراموش می‌شود، چنان خوشحالی برای شان میسر می‌شود که این خوشحالی را حتی در جنت هم پیدا کرده نمی‌توانند علاوه بر این خوشحالی، از طرف پروردگار، ندا می‌آید که ای نفس آرام گیرنده بازگرد بسوی پروردگارت خوشنود شونده، خوشنود کرده شده، سپس شامل شو در بندگان من و در آی به جنت من، این ندا بحدی سرور می‌آفریند که حد و اندازه ندارد، این را خداوند ﷻ در سوره الفجر آیت (۲۷-۳۰) بیان نموده است.

از همین سبب پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: روز قیامت به اندازه ۵۰ هزار سال ما و شما است اما برای مؤمنین به اندازه دو رکعت نماز خواندن است، چون زمان زیادی میگذرد، اهل محشر مشوره می‌کنند که باید از مردم حساب

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۹۷

گرفته شود، خوب و بد معلوم شود اما هیچ کس جرأت کرده نمی‌تواند که نزد پروردگار برود، همگی جمع میشوند و نزد حضرت آدم (علیه السلام) میروند از ایشان تقاضا می‌کنند که نزد پروردگار رفته وساطت کند که به حساب و کتاب مردم رسیدگی شود و خوب و بد از هم جدا شود، مگر حضرت آدم (علیه السلام) قبول نمی‌کند و تقاضای آن‌ها را رد می‌کند سپس نزد حضرت نوح (علیه السلام) میروند آن‌ها هم قبول نمی‌کند بعداً نزد حضرت ابراهیم خلیل الله و به همین ترتیب نزد حضرت موسی (علیه السلام) ، حضرت عسی (علیه السلام) می‌روند، خلاصه همه رد می‌کنند، بعداً تمام پیامبران به این موافقت می‌کنند که نزد پیامبر اسلام ﷺ بروند و از ایشان تقاضا کنند که نزد پروردگار رفته وساطت نماید و به حساب و کتاب مردم رسیدگی شود. بناءً پیامبر اکرم ﷺ روبه روی عرش به سجده میروند تا وقتی که خواست پروردگار است به حالت سجده باقی می‌مانند، بعداً از طرف عرش ندا می‌آید که ای محمد ﷺ! سرت را بالا کن، چه می‌خواهی؟ این همان مقام است که خداوند متعال در دنیا به پیامبرش وعده داده بود، یعنی مقام محمود. هم‌چنان در سوره والضحی آیت (۵) به پیامبر خدا ﷺ وعده داده شده بود، بعد

۹۸ / صلاح الدین سادات

از آن عطا خواهد نمود ترا پروردگار سپس، تو راضی شوی، پیامبر خدا ﷺ بعد از نزول این آیت به طرف صحابه ها گفتند که تا وقتیکه یک نفر از اُمت من در دوزخ باشد راضی نمی‌شوم، سپس پیامبر خدا ﷺ سرش را بالا می‌کند عرض خود را پیش می‌کند از پروردگار تقاضا می‌کند که به حساب و کتاب مردم رسیدگی شود کسیکه جنتی است به جنت برود و کسی که دوزخی است به دوزخ برود. تقاضای پیامبر اکرم ﷺ پذیرفته می‌شود و تسلیم دهی نامه اعمال شروع می‌شود، دوسیه های مردم از اول تا آخر ثبت است از ابتدای سن بلوغ شروع تا آخرین رمق حیات توسط کرام الکاتبین ثبت و محفوظ است و محفوظ نگهداری شده است، امروز برای صاحبان شان تسلیم داده می‌شود، تسلیم دهی نامه اعمال هم به چند طریق است، شخص که نامه اعمالش توسط ملائیکه تسلیم داده می‌شود، شخص مؤمن با شد، بسیار با احترام تام به دست راست وی داده می‌شود و برایش خوش خبری هم میدهد که کامیاب هستی، آن شخص تا این دم از تمام اقارب خود پنهان میشد، حتی از پدر، مادر، برادر و خواهر و از همه نزدیکان، خود را پنهان می نمود تا مبادا کدام چیزی از کار خیرش طلب کنند. بناءً

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۹۹

خود را در خفا نگه میداشت اما حالا چنان مسرور است که خود را گرفته نمی تواند. در میان مردم، خویشاوند باشد یا بیگانه صدا میزند، او مردم بیایید نامه اعمال مرا بخوانید، در نامه اعمال من چه نوشته شده است؟! این پیش کردن نامه اعمالش به مردم به معنی این نیست که خودش نداند، این نهایت حد سرور است، گویا که به مردم وانمود می کند که بنده پیروز شده است گرچه این پیروزی قطعی نیست که مستقیم به جنت برود بلکه راه بسوی خوبی است. این شخص بسیار پریشان بود و فکر میکرد که مبادا نامه اعمالم به دست چپم داده شود، حالا از این تشویش خلاص شد، این هم یک موفقیت بزرگ است، چنانچه خداوند ﷻ در سوره الانشقاق آیت (۷-۹) چنین می فرماید: پس کسی را که داده شد نامه اعمالش بدست راستش، به زودی از وی حساب گرفته می شود حساب آسان باز می گردد بسوی اهل خود شادمان شده. اما آنانیکه نامه اعمال شان بدست چپ و یا از پشت سر داده شود، دیگر آنها بسوی خوبی نخواهند رفت، آینده آنان روبه خرابی خواهد بود آنها می گویند، ای کاش که این نامه اعمال به من داده نمی شد. چنانچه خداوند متعال در سوره الانشقاق آیت ده تا سیزده تذکر

۱۰۰ / صلاح الدین سادات

داده است . بعدا خداوند متعال برای ملائیکه‌های مسؤل امر می‌کند که برای تمام پیامبران کارت زمانی، توزیع شود، در آن کارت نوشته شود که فلان پیامبر همراه اُمت خود در فلان زمان به وقت مشخص که در همان کارت ذکر شده است، برای محاسبه حاضر شوند، همه وقت معین خود را می‌دانند و یا هم به همان وقت معین ملائیکه مسؤل صدا میزند، فلان پیامبر همراه با اُمت خود برای محاسبه حاضر شوند ، به نوبت حاضر میشوند. چنانچه خداوند متعال این، زمان مشخص شدن را در سورهٔ مرسلات آیت (۱۱) چنین می‌فرماید: «وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتَتْ». ترجمه: و چون برای پیامبران وقت مقرر شود، میدانِ بُردن و باختن شروع می‌شود، کی می‌برد و کی می‌بازد هر پیامبر که همراه اُمتش حساب و کتابش خلاص شود، فوج فوج به طرف جنت و فوج فوج هم طرف دوزخ برده می‌شوند.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۰۱

داخل شدن جنتی ها به جنت

آن فوج که به طرف جنت برده می‌شود، راه شان از میانه همان مردمان که در تاریکی مطلق بودند عبور می‌کند، گرچه این جنتی‌ها از ساحة که نور پروردگار روشنی می‌کند، برآمده اند، حالا از این تاریکی با نور خودشان عبور می‌کنند، این نور تمام اطراف شان را روشن می‌کند، علاوه بر آن هر لحظه ملائیکه‌ها برای شان خوش خبری می‌دهند که شما را طرف جنت می‌بریم هر ملائیکه که از پیش روی شان می‌برآید برای شان می‌گوید خوشا به حال تان ای بندگان خدا به سبب نور که از پیکر شان نمایان شده است، می‌فهمند که این‌ها جنتی‌ها اند، اکثریت این جنتی‌ها همراه با فامیل‌های شان یکجا به طرف جنت روان هستند، این واقعه را خداوند متعال در سوره الحديد آیت (۱۲) مفصلاً ذکر نموده است: آن عده مردمیکه در تاریکی بودند نور پروردگار نصیب شان نشده بود این حالت را می‌بینند، درد و رنج شان ده‌ها برابر افزون می‌شود، بعضی منافقین ناخواسته همراه جنتی‌ها یک جا می‌شوند، شروع به رفتن می‌کنند از جنتی‌ها سوال می‌کنند که شما این نور را از کجا گرفتید؟ جنتی‌ها می‌گویند، اگر شما هم می‌خواهید

۱۰۲ / صلاح الدین سادات

چنین نوری داشته باشید پس بروید به جای که ما از آنجا گرفتیم، این‌ها در همین وقت گفتگو ناگهان دیواری بین جنتی‌ها و منافقین حائل می‌شود، آن طرف دیوار که جنتی‌ها است، چنان صدای شوق و ذوق و صداهای پرندگان مختلف به گوش میرسد و منافقین در همان تاریکی مطلق باقی می‌مانند، چقدر مأیوس کننده است.

این واقعه را خداوند متعال در سوره‌الحدید از آیت (۱۳-۱۵) مفصلاً ذکر نموده است: وقتیکه این ملائیکه‌ها، جنتی‌ها را نزدیک دروازهٔ جنت رساند به ملائیکه‌های که مسؤل جنت هستند تحویل میدهد، مسؤلین جنت آن‌ها را به خوشی تحویل می‌گیرند و برای شان خوش آمدید می‌گویند، بسیار به استقبال گرم از آن‌ها پذیرایی می‌کنند، بعداً مکتوب که بعد از محاسبه به جنتی‌ها داده شده بود را از آنان می‌گیرد، هرچیزی که در آن نوشته شده باشد، از درجهٔ جنت و به کدام جنت و از کدام دروازهٔ جنت که داخل جنت شوند، طبق مقررات همان مکتوب، داخل جنت می‌شوند، لباس‌های که ساخته شده از ابریشم خالص است به جنتی‌ها پوشانیده می‌شود، حوره‌های جنتی که تا ایندم در خیمه‌های مهر و لاک شده بودند، برای شخص جنتی

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۱۰۳

معرفی می‌شوند. مهر و لاک آنرا توسط اسباب که به دست شخص جنتی داده شده است، باز می‌کند و حور جنتی به وی سلام می‌کند و به بسیار احترام تام برایش می‌گوید، خداوند ﷻ مرا به تو خلق کرده من از تو می‌باشم، قبل از این شخص، هیچ کس نه انس و نه جن او را دیده است و هم‌سن و سال شخص جنتی می‌باشد. بنا به روایات صحیح، سن جنتی‌ها ۱۸ سال می‌باشد.

۱۰۴ / صلاح الدین سادات

داخل کردنِ دوزخی‌ها در دوزخ

آن‌عهه مردمیکه محکوم به دخول دوزخ شده‌اند، ملائیکه‌های مسؤل آن‌ها را فوج فوج به طرف دوزخ می‌برند، هر ملائیکه که از مقابل شان عبور میکند، برای شان نفرین می‌کند، وقتیکه به دوزخ می‌رسند، ملائیکه‌های مسؤل آن‌ها را به مالکین دوزخ تسلیم میدهند. اولین و آخرین سخن نرم که ما لک دوزخ به این دوزخی‌ها می‌گوید اینست، آیا به شما پروردگار عالم از این واقعه خبرنداده بود که به این بلا گرفتار شدید؟ آن‌ها اعتراف می‌کنند که بلی! خداوند متعال به ما پیامبرانی فرستاده بود، تمام واقعات قیامت را برای مان توضیح داده بودند، اما ما قبول نکردیم و ایمان نیاوردیم. هر فوج دوزخی که به دوزخ انداخته می‌شود، چنان صدای دلخراش از دوزخ بیرون می‌شود که دلها را تخریش می‌کند، در آن موقع دوزخ چنان به خشم است که نزدیک است این خشم، دوزخ را بترکاند، حتی مالک دوزخ یک بار به آنها جواب نمی‌دهد. بعد از اینکه دوزخی‌ها به دوزخ انداخته شدند، خوراک آن‌ها از چرک و زردآب دوزخی‌ها و از زقوم که محصول درختی است که در داخل دوزخ پرورش یافته است، بسیار تلخ که گلوها را پاره

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۰۵

می‌کند، می‌باشد. هر بار که بخواهند از دوزخ بیرون شوند، توسط ملائیکه‌ها پس زده میشوند، این واقعه را خداوند متعال در سوره‌ه ملک از آیت (۸-۱۱) مفصلاً بیان نموده است، از دوزخی‌ها سوال می‌شود که شما چقدر در دنیا زندگی کرده بودید که به این بلا گرفتار شدید؟ بعضی‌های شان می‌گویند، ساعتی و بعضی‌های شان می‌گویند، چاشتی و بعضی‌ها هم مگویند شامی، به همین خاطر پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: زندگی دنیا یک لحظه است همین یک لحظه را هم به غفلت سپری نکنید. گرچه این محاسبه بسیار به سرعت محاسبه می‌شود، با وجود آنهم ممکن صدها سال دوام داشته باشد، چراکه از ابتدای صور اول تا آخرین محاسبه به اندازه ۵۰ هزار سال این دنیا می‌باشد.

میدان محشر اندک اندک خلوت می‌شود و آخرین افراد که محاسبه میشوند، دو نفر در میدان محشر باهم روبرو میشوند، یکدیگر را می‌شناسند، یکی از این دونفر در تمام عمر یک ثواب دارد و آن دیگر ثواب‌های زیاد دارد و در مقابل گناهان زیاد نیز دارد، یعنی که گناهانش برابر با ثواب هایش هستند، این شخص گناهکار که در نامه اعمالش به جز یک ثواب چیزی دیگر ندارد، به شخص دیگر

۱۰۶ / صلاح الدین سادات

می‌گویند ای فلانی چه شده ترا، تاهنوز اینجا هستی؟ تو که آدم خوب بودی، نماز میخواندی، حج کرده بودی، زکات میدادی، روزه میگرفتی، سخاوت هم داشتی تو که به مثل من از خدا بی خبر نبودی، پس چرا اینجا مانده‌یی؟ او در جواب می‌گوید، بلی همین طور است هرچیزی که گفتمی راست است، تمام نیکی‌هایم حالا هم دارم، فقط به یک ثواب نیکی بند مانده‌ام، نزد هرکسی که رفتم هیچ کس حاضر نشد که یک ثواب نیکی به من بدهد. بناءً بخاطر یک ثواب نیکی این جا مانده‌ام، آن شخص یک ثوابه می‌گوید، تو که با این همه ثواب داخل جنت نشدی‌ای، من با این یک ثواب چطور داخل جنت شده‌ام، همین یک ثواب من از تو باشد، و همان یک ثوابش را به وی میدهد، خداوند ﷻ از این عمل آنها خوشنود می‌شود، هردو را داخل جنت می‌سازد.

آخرین فردیکه حساب و کتاب می‌شود، کسی است که گناه‌های فراوان دارد، از گناه‌های کبیره و صغیره، مگر این شخص در دنیا توبه کرده، خداوند متعال توبه او را قبول کرده، گناهان وی را بخشیده است، مگر این شخص، از آن آگاهی ندارد.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/۱۰۷

وقتیکه خداوند متعال محاسبه می‌کند برایش می‌گوید، ای فلانی تو این گناه را نکرده بودی؟ آن شخص می‌گوید بلی پروردگارا! کرده بودم. دوباره می‌پرسد، فلان وقت این گناه دیگر را نکرده بودی؟ آن شخص دوباره اقرار می‌کند که بلی کرده بودم، خلاصه تمام گناهان آن شمره می‌شود، آنهم تصدیق می‌کند. مگر تمام گناهان شمرده شده گناهان صغیره اوست، گناهان کبیره وی به کلی یادآوری نشده است. پروردگار به آن شخص می‌گوید، برو بخشیدمت داخل جنت شو، آن شخص چند قدم پیش می‌رود به دلش می‌گردد که گناهان شمرده شده من همه گناهان صغیره بود، تمام گناهان کبیره من هنوز پسران نشده است، علاوه بر آن اینقدر مردمی که اینجا بودند همه این‌ها به جنت رفته باشند دیگر در جنت جای باقی نمانده است که من داخل آن شوم. این مرد مذبذب می‌شود، به عقب برمی‌گردد به طرف عرش، خداوند ﷻ می‌گوید، ای فلانی چرا برگشتی؟ آن شخص جواب می‌دهد، پروردگارا تو که پروردگار عالمیان هستی با هیچ کس شوخی نداری، با من بیچاره چه شوخی میکنی، در جنت جای در کجاست که من داخل آن شوم؟ خداوند ﷻ برایش می‌گوید، برو هرآنقدر که چشمت

۱۰۸ / صلاح الدین سادات

کارمی کند برایت جای هست، بعداً به ملائیکه‌های راهنما تسلیم داده میشود، تا آن شخص را به طرف جنت ببرند. تمام آنانیکه محاسبه شده اند به چهار گروه تقسیم میشوند. آنانیکه تراوی اعمالشان به طرف نیکی سنگین شده است، داخل جنت می‌شوند و آنانیکه تراوی اعمالشان مساوی بوده، چندین زمان میان جنت و دوزخ جایی به نام اعراف است باقی می‌مانند، هرگاه خواست خداوند متعال بود به جنت می‌روند. و آنانیکه تراوی اعمالشان طرف نیکی سبک و طرف بدی سنگین باشد اما خودشان مؤمن باشند مدتی در دوزخ میمانند، بعد از پاک شدن گناهان به جنت داخل میشوند، گرچه اینها در درجه پائین تر جنت برده می‌شوند مگر هرگز فکر نمی‌کنند که درجه شان از دیگر جنتی‌ها پائینتر باشد، هرقدر جنتی‌های بلند مرتبه را ببینند فکر می‌کنند که از آنها بالاتر اند، اما کسانیکه کافر باشند همیشه در دوزخ می‌مانند به این ترتیب رسیدیم به آخرین روز قیامت.

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۰۹

پایانِ عالم

به فنا شدنِ عالم همه متفق اند که روزی جهان نابود خواهد شد، چه از نگاه علمی و چه از نگاه قرآن، اما دانشمندان غیراسلامی بعضی های شان میگویند جهان با سرعت به گسترش خود ادامه میدهد، کهکشانشانها آنقدر از هم دور میشوند که نورشان به ما نمیرسد. ستاره ها سوخت تمام میکنند، سیاهچاله ها تبخیر میشوند و دمای کیهان به صفر مطلق میرسد جهان برای همیشه تاریک و سرد میماند، و بعضی دانشمندان دیگر میگویند اگر سرعت انبساط جهان توسط انرژی تاریک مدام بیشتر شود، قدرت این انبساط از نیروی جاذبه فراتر میرود، ابتدا کهکشانشانها، سپس منظومه ها، ستاره ها و در نهایت حتی اتم ها از هم گسیخته و از هم می پاشد، و بعضی دانشمندان دیگر میگویند اگر جاذبه بر انبساط پیروز شود، جهان روزی از گسترش باز میماند و شروع به منقبض شدن میکند، همه چیز دوباره به هم فشرده میشود تا به یک نقطه ای نا مرئی برسد، این دیدگاه با قرآن کریم هم خوانی دارد، و اما از نگاه قرآن.

خداوند متعال در باره نابودی عالم در سوره قصص آیه ۸۸

۱۱۰ / صلاح الدین سادات

چنین میفرماید « لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ
الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۸۸) ؟

ترجمه هیچ معبودی جز او نیست همه چیزها نی ونا بود
شدنی است جز ذات پاک او فرمان روایی تنها از آن اوست
وبه سوی او باز گردانده می شوید ؛ یعنی زمان که تمام سا
ختار های مادی؟ سیارات و ستاره گان از هم می پاشند و تنها
حقیقت مانده گار ، خالق هستی است، خداوند متعال تمام
هستی جهان را توسطی چهار نیروی نامرئی پدید آورده این
نیرو ها همان نیروهای هستند که در ابتدا از کلمه ، کن،
درصدمین ثانیه پدید آمده بودند همین نیرو ها بودند که
تمام کهکشانها و ستاره هارا ساخته بودند تا آخر هم به
ساخت و ساز ادامه میدهند، با وجود این همه عظمت این
نیرو ها را به چشم دیده نمی شود. این قوه نامرئی را خداوند
متعال در سوره رعد، آیت (۲)، هم چنان در سوره لقمان،
آیت (۱۰) چنین می فرماید: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ
تَرَوْنَهَا». ترجمه: پیدا کرده خداوند ﷻ آسمانها را بدون
ستون که ببینید آنها، «ستون» چیزی را میگویند که بار
سنگینی را تحمل کند حالا همین نیروها هستند که تمام
کهکشانها و ستاره هارا در فضا نگه داشته است، این ساخت و

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۱۱

ساز تا زمانیکه پروردگار بخواهد دوام میکند، بعداً پروردگار عالم همان نیروی نامرئی را که تمام عالم را توسط آن ساخته است، از تمام بدنه اجرام عالم مثل لوله کاغذ جمع می‌کند. چنانچه در سوره انبیا آیت (۱۰۴) چنین می‌فرماید: ﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ ۗ﴾ یعنی روزیکه آسمان را درهم بی‌پیچیم مانند درهم پیچیدن طومار...! ابتداء پیدایش جهان از نقطه صفر شروع شده اینک چهارده میلیارد سال از آن زمان می‌گذرد و درین مدت میلیارد ها کهکشان و تیرلیون هاتیرلیون ستاره و سیاره پدیدآمده و تا چه زمان دیگر پروردگار بخواهد دوام میکند بعداً به امر پروردگار مثل طومار خط جمع میشود همچنین در سوره الزمر آیت ۶۷ می‌فرماید: «وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ». ترجمه: و آسمان ها پیچانیده شده باشند در دست قدرت او، هم‌چنان در سوره التکویر آیت (۱۱) چنین می‌فرماید: «وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ». ترجمه: و وقتیکه آسمان مثل پوست برکنده شود، وقتیکه این نیروی نامرئی مثل لوله کاغذ جمع کرده شد و یا هم مثل پوست بدن از بدن کنده شد دیگر اجرام عالم بدون متکی میماند، بدون متکی در فضا ایستاده شده نمی‌تواند و شروع به افتیدن می‌کند،

۱۱۲ / صلاح الدین سادات

بالای یک دیگر، چنانچه در سوره فاطر آیت (۴۱) چنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُمَسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ». ترجمه: به تحقیق الله نگه میدارد آسمان‌ها و زمین را ازاینکه بیافتند قَسَم است که وقتیکه افتیدن شروع شود هیچ قدرتی نمی‌تواند از افتیدن آن جلوگیری کند، خداوند ﷻ قسم یاد می‌کند که این واقعه افتیدن حتماً زمان به وقوع می‌پیوندد، وقتیکه افتیدن شروع شود، هیچ قدرتی دیگر نمی‌تواند جلو آنرا بگیرد. چراکه این نیروی نا مرئی خا صیت روح را دارد تا وقتیکه روح در بدن باشد بدن فعالیت میکند وقتیکه از بدن جدا شود دیگر بدن فعالیت کرده نمیتواند نه تنها فعالیت کرده نمیتواند بلکه خود جسم هم از بین میرود ، حالا بنا به اثر برخورد یکدیگر تمام کهکشان‌ها، ستاره‌ها و سیاره‌ها تکه و پارچه می‌شوند. چنانچه در سوره الانفطار آیت (۱-۲) می‌فرماید: وَ إِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَشَرَتْ ۙ (۲) وقتیکه آسمان شکافته شود و وقتیکه ستاره‌ها فرو ریزد، بنا به اثر فرو ریختن بالای یکدیگر جهان به حدی گرم میشود که تمام اجرام عالم ذوب میشود. چنانچه خداوند متعال در سوره الرحمن آیت (۳۷) چنین می‌فرماید: «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ

پیدائش جهان از دیدگاه قرآن/ ۱۱۳

فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ». ترجمه: پس چون پاره گردد آسمان پس شود گلابی مانند درد وقتیکه بلندی ها پاره شود آتش به بیرون سرایت نموده مثل آتش فشان که آتش را به بیرون فوران میدهد، آتش مثل سیل رفتار می کند هم چنان در سوره المعارج آیت (۸) چنین می فرماید: «يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ». ترجمه: روزی که گردد آسمان مانند مس گداخته شده وقتیکه مس را در کوره آهنگر بمانی توسط آتش سرخ میگردد فضای عالم هم بنا به اثر برخورد یکدیگر تمام عالم آتش سرخ می گردد، این دما به حدی قشرده و داغ میشود که هیچ چیز مقاومت کرده نمیتواند حتی اتم ها هم تبخیر شده از بین میروند باقی میماند آن چهار نیرو، این نیروها به جز از یگجاشدن دیگر چاره ندارند مجبورا یگجا میشوند از همان نقطهءیکه پدید آمده بودند نا پدید میشوند، چنانچه خداوند متعال در سوره انبیاء بخشی آیت یگصدو چهار چنین میفرماید؟ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ ۖ وَعَدًّا عَلَيْنَا ۚ إِنََّّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿۱۰۴﴾ [الأنبياء: ۱۰۴] ترجمه، همان گونه که نخستین بار آفریدیم دوباره آنها را باز میگردانیم وعده است که تحقق داد نش بر عهدهءی ماست به یقین آنها را انجام میدهیم ، یعنی در ابتدا شروع جهان را ما

۱۱۴ / صلاح الدین سادات

کرده بودیم درنهایت ما آنرا باز میگردانیم ، این بود کلام پروردگار از ابتداء خلقت تا نهایت، حالا جهان کاملاً نا بود شد آیا بعد از نا بودی جهان ، جهان دیگری ساخته میشود یا برای ابد تمام میشود، از نگاه قرآن هرگاه پروردگار عالم همان قوه نامرئی را که مثل لوله کاغذ جمع کرده بود، مجدداً امر گسترش آنرا بدهد پس همان نیروها درصدمین تابه پدید میآیند دوم باره جهان جدید ساخته میشود، بار دوم شکل گیری عالم را خداوند ﷻ رد نمی کند بلکه تأیید می کند. چنانچه در سوره یاسین آیت (۸۱) چنین می فرماید: «أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ (بَلَىٰ)». ترجمه: آیا نیست آن ذاتیکه پیدا کرده آسمانها و زمین را قادر بر اینکه بسازد مثل آنها، بلی! می تواند یعنی خداوند ﷻ به کلمه بلی ثابت ساخت که بعد از نابودی عالم، عالم دیگری مثل آنها خواهد ساخت ؛ خلاق؛ صیغه ی مبالغه است یعنی بار بار می آفریند همچنین؛ علیم؛ است، چه نوع جها نیکه بعد از این جهان می سازد آنها هم میداند هم چنان در سوره هود آیت (۱۰۶) در باره جنتی ها و دوزخی ها می فرماید: همیشه می باشند دوزخی ها در دوزخ و جنتی ها در جنت، مادامیکه آسمانها و زمین

پیدائیش جهان از دیدگاه قرآن/۱۱۵

هست، آن‌ها در دوزخ و جنت میمانند، درحالیکه آسمان‌ها و زمین قبلاً در قیامت از بین رفته است، این آسمان‌ها و زمین که ذکر می‌کند بعداً پیدا کرده است. بناءً پیدائیش عالم جدید بعد از فناى عالم گذشته از نگاه قرآن جریان خواهد داشت، هرگاه جهان فنا شود، جهان جدید پدید می‌آید، منتها فاصلهٔ زمانی آن‌ها شاید میلیونها سال باشد.

والله اعلم بالصواب و هو على كل شئ قدير.

خلاصِ موضوع:

تا جاییکه برهمه‌گان معلوم و هویدااست، بحث پیدائیش جهان یک موضوع خیلی وسیع و حساس است، حتی در اکثر موارد بسیاری از علماء اسلام در این رابطه اتفاق نظر ندارد، اما از نگاه علم ساینس ثابت شده است، آنچه که قرآن کریم، چهارده صد سال قبل بیان نموده، ثابت است. به عنوان مسلمان نیاز میدانیم که قرآن کریم را مهمترین و والاترین مرجع برای اثبات حقایق همه مسایل به ویژه چگونگی «پیدائیش جهان» بدانیم و لازم است با پیروی از این مرجع بزرگ و همه شمول در تمامی موارد استفاده معقول نماییم. بناءً آنچه در این رساله گفته شده است، همه و همه برگرفته از آیات مرتبط به این موضوع می‌باشد.



Thank you for reading

Find more e-books and articles on Ketabton - your multilingual digital library.

www.ketabton.com

Ketabton - Pashto, Farsi, Arabic & English